



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
۲۴ بهمن ۱۴۰۳ • ۱۳ شعبان ۱۴۴۶ • 12 Février 2025
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و بیست و هفت
www.asrghanoon.ir

فریاد آمریکا از صدای آمریکا

ایلان ماسک: رادیو فردا و صدای آمریکا باید تعطیل شوند چون سالانه یک میلیارد دلار از پول مالیات دهندگان ما را آتش می‌زنند

ایلان ماسک، رئیس وزارت بهره‌وری دولت (DOGE) آمریکا تعطیلی رادیو اروپای آزاد و صدای آمریکا را خواستار شد. رادیو اروپای آزاد به چند زبان از جمله فارسی برنامه دارد و به رادیو فردا شناخته می‌شود. ماسک در توییتری گفت: دیگر هیچکس به آنها گوش نمی‌دهد. اینها یک عده دیوانه چپ رادیکال هستند که با خودشان حرف می‌زنند، در حالی که سالانه یک میلیارد دلار پول مالیات‌دهندگان آمریکایی را هدر می‌دهند.

ماسک، به عنوان رئیس وزارت بهره‌وری دولت (DOGE)، همچنین پرداخت‌های دولتی به رسانه‌هایی مانند پولیتیکو، آسوشیتد پرس و نیویورک تایمز را هزینه‌های ناکارآمد خوانده و برای حذف آن‌ها اقدام کرده است. این مواضع در ادامه تلاش‌های دولت ترامپ برای لغو بودجه رسانه‌های دولتی مطرح شده است.



ناکامی استراتژی‌های آمریکا برای مهار ایران



آمریکا با استفاده از ابزارهایی چون ژست‌های دیپلماتیک، تهدیدهای توخالی و تحریم‌های اقتصادی ظالمانه، تلاش کرده است تا حرکت انقلاب اسلامی را متوقف یا دست‌کم کند نماید، اما این اقدامات نتایج مورد نظر را به همراه نداشته است.

حضرت مهدی (عج) بر بلندای مرجعیت تفسیر معصومانه قرآن کریم



یکی از شئون و وظایف ائمه در نظام امامت شیعی تبیین و تشریح قرآن و به بیانی تفسیر آن و بیان مراد خداوند از قرآن کریم در هر عصر و دوره‌ای است و امام زمان هم این شان؛ جایگاه و وظیفه را دارد.

تحلیلی بر جدید بودن دین بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)



مردم، از نظر فکری و عقلانی، مثل زمان پیامبر دو گروه یا چند گروه نیستند؛ بلکه همه مردم در سطح انسان‌های کاملی مثل حضرت سلمان خواهند بود لذا چون فهم‌ها کامل می‌شوند همه مردم شایسته دریافت حقائق خواهند بود.

آنچه ترامپ گفته، اعلام جنگ رسمی است!



اقدامات ترامپ علیه سازمان‌ها و نهادهای برخاسته از اراده غرب و علیه خود این کشورها، باعث شده تا مساله‌ای بنام ایران عملاً در منظومه فکری آن‌ها به حاشیه رانده شود.

از انقلاب فرهنگی تا فرهنگ انقلابی



انقلاب اسلامی مرزهای نظری در مطالعات نظری جامعه‌شناسی سیاسی را جابجا کرد و منجر به ظهور نسل چهارم نظریه‌های انقلاب شد.

جامعه‌شناس-سلبریتی‌ها به مثابه آسیب اجتماعی



در تبیین هر پدیده و مساله اجتماعی عوامل مختلفی دخیل‌اند و در جامعه‌شناسی آموخته‌ایم برای فهم یا حل آن مساله اجتماعی، باید وزن مناسب به عوامل موجه آن داد.

پیشخوان Pishkhan.com

ناکامی استراتژی‌های آمریکا برای مهار ایران

امیرحسین جوانشیر



۵ دلیل رهبر انقلاب برای عدم اعتماد به مذاکره با آمریکا

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۲ مرداد ۱۳۹۷، ۵ دلیل قاطع و مستند برای عدم مذاکره با آمریکا اشاره کردند که به‌روشنی نشان‌دهنده چرایی عدم اعتماد و ضرورت پرهیز از هرگونه تعامل و مذاکره با آمریکا است:

۱. «مذاکره اولاً در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی دادوستد، یعنی بنشینید دو طرف میز؛ شما یک چیزی بدهید، یک چیزی بگیرید؛ معنای مذاکره‌ی سیاسی این است. خوب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی می‌خواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص می‌کنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمی‌گویند؛ در اثنای کار مرتب دبه می‌کنند، مرتب اضافه می‌کنند، مرتب چانه می‌زنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است؛ این یک.

۲. دوم، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. بله، اهداف فرعی و چیزهای بیخودی کم‌ارزش را در حاشیه گاهی می‌آورند و از آنها صرف‌نظر می‌کنند که بظاهر یک نوع عقب‌نشینی است، اما از مقصود اصلی و اهداف اصلی‌شان مطلقاً عقب‌نشینی نمی‌کنند، امتیاز اصلاً نمی‌دهند.

۳. سوم، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند، از او وعده قبول نمی‌کنند؛ می‌گویند ما اطمینان نداریم، امتیاز نقد از او مطالبه می‌کنند؛ کم‌اینکه ما در برجام این را تجربه کردیم، در جاهای دیگر هم آن تجربه شد. الان هم که دارند با کوهی شمالی مذاکره می‌کنند همین‌جور است؛ امتیاز نقد می‌خواهند از آن طرف. اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوچیگری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازند که بله، اینها مذاکره نمی‌کنند، اینها به میز مذاکره باید برگردند، اینها چنین می‌کنند. یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل منفعل می‌شود، دچار انفعال می‌شود؛ در مقابل این جنجال و هوچیگری و هیاهویی که اینها می‌کنند، معمولاً کم می‌آورند، منفعل می‌شوند.

۴. و مرحله چهارم، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد می‌گیرد چیز نقدی به او بدهد، مثل هر معامله‌ای که شما پول می‌گیرید و جنس باید بدهید، جنس نمی‌دهد؛ نقد را می‌گیرد، در مقابلش وعده می‌دهد، اما وعده‌های قرص‌ومحکم؛ مطمئن باشید، تردید نکنید، شک نکنید؛ با وعده دل طرف مقابل را خوش می‌کند و طرف مقابل [هم] می‌بیند دارد وعده می‌دهد با این قرصی و با این محکمی.

۵. مرحله آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم می‌زنند، این وعده‌ی قرص‌ومحکم را هم مثل باد هوا فراموش می‌کنند؛ روش مذاکره‌ی آمریکایی‌ها این است.» ۲۲/۰۵/۱۳۹۷



قدرت واقعی برخوردارند، پرهیز می‌کنند زیرا توان نظامی و اقتصادی آمریکا در برابر ایران تحلیل رفته و دیگر قادر به تحمیل اراده خود از طریق جنگ سخت نیست.

جوانشیر به وضعیت متحدان آمریکا نیز اشاره و عنوان کرد: این کشورها نیز از لحاظ اقتصادی در شرایط ضعف به سر می‌برند و علیرغم نمایش ظاهری قدرت و اتحاد، در واقعیت درگیر مشکلات اقتصادی ناشی از سیاست‌های لیبرال دموکراسی غرب هستند.

وی با اذعان به این موضوع که آمریکا همچنان از برتری رسانه‌ای و توانایی پروپاگاندا بهره می‌برد، گفت: ایالات متحده با استفاده از این ابزار، تلاش می‌کند اذهان عمومی را تحت تاثیر قرار داده و هم‌مونی خبری خود را حفظ کند.

وی افزود: آمریکا با صرف هزینه‌های هنگفت در حوزه رسانه و به کارگیری روش‌های پیچیده اطلاع‌رسانی، سعی دارد تا افکار عمومی را در سطح جهان مدیریت کرده و روایت خود را از مسائل بین‌المللی غالب سازد.

این فعال سیاسی و رسانه با بیان اینکه استراتژی‌های آمریکا برای مهار ایران به بن‌بست رسیده است، اظهار کرد: واشنگتن به دلیل ضعف در عرصه‌های نظامی و اقتصادی، توانایی مقابله موثر با جمهوری اسلامی را از دست داده است.

وی پیش‌بینی کرد: آمریکا در آینده نیز قادر به اتخاذ اقدامات جدی علیه ایران نخواهد بود و به احتمال زیاد به تداوم جنگ رسانه‌ای و استفاده از ابزارهای تبلیغاتی برای حفظ ظاهر قدرت خود اکتفا خواهد کرد.

جوانشیر با اشاره به شخصیت ترامپ و نگاه‌هایی که به او در جامعه آمریکا وجود دارد، بیان کرد: به نظر می‌رسد که حتی جناح مخالف ترامپ نیز او را به عنوان فردی دیوانه می‌شناسند. این دیدگاه تنها محدود به مخالفان سیاسی او نیست، بلکه حداقل نیمی از جمعیت آمریکا، یا نزدیک به نیمی از آن نیز ترامپ را با همین صفت دیوانه می‌شناسند.

این فعال سیاسی و رسانه اظهار کرد: علاوه بر این، قابل توجه است که حتی بسیاری از افرادی که به وی رای داده‌اند، ممکن است مجذوب همین ویژگی به ظاهر دیوانگی شده باشند. به این ترتیب، حداقل می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از مردم در ایالات متحده، نسبت به اخلاق و رفتارهای نامتعارف این رئیس‌جمهور اذعان دارند و این موضوع را تصدیق می‌کنند.

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع سیاست‌های رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل و با حضور امیرحسین جوانشیر فعال سیاسی و رسانه به روی آنتن رفت.

امیرحسین جوانشیر تلاش‌های چند دهه‌ای ایالات متحده آمریکا برای متوقف کردن روند پیشرفت ایران را شکست خورده دانست و گفت: قدرت واشنگتن در عرصه‌های نظامی و اقتصادی رو به افول گذاشته است. در حالی که ایران به یک قدرت منطقه‌ای استوار تبدیل شده، آمریکا توانایی مقابله مستقیم با این کشور را از دست داده و اکنون به ابزارهای تبلیغاتی و جنگ رسانه‌ای به عنوان آخرین حربه خود متوسل شده است.

وی به تاریخچه سیاست‌های آمریکا در قبال ایران اشاره و بیان کرد: تمامی برنامه‌ها، سیاست‌ها و پروژه‌های واشنگتن در دهه‌های اخیر با هدف جلوگیری از حرکت تاریخی مردم ایران طراحی شده‌اند. آمریکا با استفاده از ابزارهایی چون ژست‌های دیپلماتیک، تهدیدهای توخالی و تحریم‌های اقتصادی ظالمانه، تلاش کرده است تا حرکت انقلاب اسلامی را متوقف یا دست‌کم کند نماید، اما این اقدامات نتایج مورد نظر را به همراه نداشته است.

این فعال سیاسی و رسانه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با تصریح بر اینکه نهال انقلاب اسلامی با گذشت زمان تنومندتر و ریشه‌دارتر شده و دیگر با تهدیدها و استراتژی‌های کهنه آمریکا متزلزل نخواهد شد، اظهار کرد: قطعنامه‌های بین‌المللی، موضع‌گیری‌های سیاسی جناح‌های مختلف آمریکا و تحریم‌های اقتصادی ابزارهایی ناکارآمد هستند که نه تنها در برابر ایران بلکه در برابر بسیاری از کشورهای مستقل جهان، اثربخشی خود را از دست داده‌اند.

وی با تاکید بر ناتوانی آمریکا در مقابله نظامی مستقیم با ایران، اشاره کرد و افزود: واشنگتن سال‌ها است از روبرویی نظامی مستقیم با کشورهایی که از استقلال و



رادیکالیسم دم‌دستی ساده‌سازان

محمدنیازی

وضعیت کنونی ما در ایران، خطیر، تعیین‌کننده و پر از پیچیدگی است. پیچیدگی از این جهت که هم در ترسیم تصویر موقعیت کنونی کشور و هم در تصویر فردای مطلوب، ناگزیر به درک نقاطی غامض و سخت هستیم که لاجرم باید به دشواری آن‌ها تن داده و پیش از پیچیدن نسخه‌های محیرالعقول، تکلیف خود را با آنان روشن نماییم.

در این میان اما، تکلیف اهل نظر و اندیشه‌ورزان علوم انسانی بس سنگین‌تر است. چه‌اینکه دانش‌هایی نظیر مجموعه علوم اجتماعی که با انسان و پدیده‌های انسانی سروکار دارند، اگر خود را در صفا موقعیتی سیاسی تصور نکنند، دستورکاری دشوارتر پیش روی خود می‌بینند. تقاطع مسائل و شبه‌بحران‌های مختلف که مایه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند، موجب شده تلاش‌های تئوریک برای صورت‌بندی از آنچه در آن قرار داریم، شکلی محتاطانه‌تر از هر زمان دیگری پیدا کنند. مولفه‌ها و متغیرهای اساسی در تحلیل وضعیت کنونی، اساساً ماهیت متفاوتی پیدا کرده‌اند.

در دوگانه دولت-جامعه، نه دیگر می‌توان روی انگاره دولت منسجم-یکپارچه تأکید نمود که فعال مایشاء باشد و نه جامعه را می‌توان با ابزارهای مفهومی کلاسیک سنجید. برای مثال، جنبش‌های اجتماعی را به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، دیگر نمی‌توان پدیده‌ای با دستور کار مشخص، سازماندهی شده و معطوف به هدفی تعیین شده در نظر گرفت. ساحت دیگر حیات اجتماعی نیز وضعیتی بر همین منوال دارد. مضافاً می‌بایست تأکید نمود که جامعه ایرانی و نهادهای مختلف آن از جمله دولت، واجد مسئله‌هایی است که پیچیدگی تحلیل آن را بیشینه می‌کند.

فی‌الجمله آنچه که مایه اتقان و قوت یک تحلیل می‌شود، در درجه اول، ملاحظه ابعاد مختلف واقعیت اجتماعی و دیدن همه نقاط اساسی در شکل‌گیری وضعیت کنونی است. در نقطه مقابل تلاش برای درک پیچیدگی‌ها، با رویکردهایی مواجهیم که می‌کوشند با طرح مسئله به صورتی دم‌دستی و ساده‌انگارانه، تصویری شماتیک از واقعیت اجتماعی ارائه دهند که نه با انگیزه پرداخت علمی و دقیق به مسئله‌ها، که بیشتر به دنبال ارائه تصویری هیجانی عطف به دستور کاری سیاسی هستند. برخی از گفتارهایی که در سودای پوشیدن ردای گفتارهای رهایی‌بخش و انتقادی هستند را می‌توان دچار به چنین معضلی دانست؛ معضل ساده‌سازی.

پیش از پرداختن به معضل ساده‌سازی در گفتارهای رادیکالی که این روزها توسط چهره‌هایی نظیر مصطفی مهرآیین و مهدی نصیری ارائه می‌شود، باید التفات داشت که رادیکالیسم موجود در این قبیل گفتارها می‌تواند زمینه و علل مختلفی داشته باشد. چه‌اینکه به تفصیل هر مورد، قلم‌هایی توضیحاتی جانبدارانه و یا منتقدانه از چرایی شکل‌گیری چنین مواجهه‌های تند و تیزی بیان کرده‌اند که پایه تحلیل خود را بر نقاط دیگری از جمله تجربه شخصی افراد، سوبه‌های روان‌شناختانه و یا زمینه‌های ساختاری قرار داده‌اند. ضمن اذعان به اهمیت تحلیل و بررسی این شکل از رادیکالیسم از نقطه‌نظری نظیر آنچه ذکر شد، منطق درونی این گفتارها از منظر فقدان مولفه لحاظ پیچیدگی‌ها در آن‌ها نیز محل بحث است.

رهبر ایران چگونه پیشگام به چالش کشیدن برنامه جهانی ترامپ شد؟

مهدی جهان‌تیغی



آن اینکه او در جهان بگوید هم می‌تواند ایران را با فشار حداکثری و تهدید، به میز مذاکره با آمریکا برگرداند و هم مذاکراتی را شروع کند که بتواند بر سر تمامی دولت‌های سابق آمریکا بگوید که دیدید می‌شود فراتر از برجام هم از ایران امتیاز گرفت و هم موضوعات فرا هسته‌ای را وارد بر برجام جدید کرد.

۲. موضوع دوم اما یک مسئله داخلی را دربر می‌گیرد، اساساً فلسفه نهایی مجوز مذاکره و حتی پذیرفتن با قید شرایط برجام، قرار بود به ایجاد یک تجربه بزرگ مردمی و ملی برای ایرانیان تبدیل شود و حتی صحبت عبرت شدن برجام نیز بعدها شد. صیانت از این تجربه

ارزشمند که البته هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی هم بر کشور تحمیل کرد، وظیفه یک رهبر دینی است و یادآوری زنده نگاه‌داشتن، عدم اجازه تحریف آن از وظایف رهبری است که مسئولیت پذیر است و عاقبت‌طلبی نمی‌کند و عزت مردمش و مسیر صحیح پیشرفت کشورش را از راه‌های انحرافی دور می‌کند.

۳. دولت پزشکیان بی‌شک می‌تواند بزرگ‌ترین مکمل این رویکرد مهم باشد. دولت با کار و تلاش و کم‌کردن مشکلات معیشتی مردم و با استفاده از ظرفیت‌های درونی برای تحقق رشد هشت‌درصدی می‌تواند یک نقش تاریخی و ماندگار را ایفا کند و این تجربه تاریخی را هم ماندگارتر و هم به یک پیروزی بزرگ تبدیل کند.

با مواضع اخیر رهبر انقلاب مبانی یک طراحی از پیش تعیین شده جهانی به چالش کشیده شده است.

۱. بیابید از دید تیم ترامپ به موضع مقتدرانه و بسیار شفاف اخیر رهبر انقلاب مبنی بر عدم عقلائی، هوشمندانه و شرافتمندانه بودن مذاکره با دولت جدید آمریکا نگریم. چند هفته‌ای از شروع ریاست‌جمهوری ترامپ گذشته و او تاکنون یک القای روانی به جامعه بین‌الملل را با شتاب دنبال می‌کرد و آن القا این است که چندین پرونده مهم سیاست خارجه آمریکا را می‌تواند با اقتدار و با قید فوریت حل کند. در قضا یا مشابه بین‌المللی نگاه کنید، از دانمارک تا مکزیک و حتی جنگ اوکراین و روسیه، همه‌جا طرف مقابل ترامپ، با انفعال خود به‌نوعی عملیات روانی و طراحی‌های رئیس‌جمهور جدید آمریکا کمک کرده‌اند. ولی در ایران یک نفر در همان اول کار این حس و القای بین‌المللی را شکست داد. رهبر ایران دقیقاً گزاره مرکزی روانی ترامپ در سیاست خارجه را به چالش کشیده است. اینک مبانی یک طراحی از پیش تعیین شده درباره ایران، هم به فروپاشی نزدیک شده است. طراحی که همه چیز را سامان داده بود که ترامپ را به آرزوی خود برساند و

حضرت مهدی (عج) بر بلندای مرجعیت تفسیر معصومانه قرآن کریم



دیگر به اسارت درآمد. امام هادی (ع) فردی را فرستاد که او را به سامرا آورد.

امام عسکری (ع) در نیمه شعبان ۲۵۵ به حکیمه بنت محمدبن علی الرضا (ع) وعده داد ولی خدا و حجت خدا بر خلق و جانشین خودش به دنیا خواهد آمد و امام عسکری از غیبت وی خبر داد.

حضرت نهمین فرزند از نسل امام حسین (ع) و هم نام پیامبر (ص) و هم کنیه معرفی شده است. القاب حضرت از زبان خودش الخلف الصالح، الهادی، المهدی، إمام المؤمنین، وارث المرسلین، حجة رب العالمین و... است. امام عسکری (ع) تصریح کرده است که امام زمان به عنوان یک مصلح جهانی زمین را پر از عدل و قسط می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است.

آیا امام عسکری تلاش هایی برای معرفی فرزندش که باید غائب شود انجام داده بود؟ اساساً ممکن بود در آینده کسی وجود وی را نپذیرد.

بله، مسئله غیبت امام زمان (عج) البته سوالات متعددی ممکن بود پیش بیاورد و حتی برخی خواص بخوانند آن را انکار کنند. برای همین جالب است بدانید که امام عسکری فرزند خود را بارها به دیگران معرفی کرده است تا کسی نتواند وجود وی را زیر سوال ببرد.

اجازه دهید چند نمونه را عرض کنم. ۱- وی را در سه سالگی به احمدبن اسحاق معرفی کرد؛ ابن اسحاق گزارشی از آگاهی وی به حلال و حرام بودن اموال مذکور نقل کرده است. ۲- به چهل نفر از شیعیان نشان داد و عنوان کرد امام شیعیان و جانشین اوست و به اطاعت از دستوش امر کرد. ۳- امام فرزندش را در حالی که حدود چهار سال داشت به عنوان حجت بعد از خود به کامل ابن ابراهیم معرفی کرد. ۴- گزارش هایی از پیشگویی مرگ عمروبن عوف فرمانروای ستمگر و پاسخگویی حضرت مهدی (ع) در کودکی به سوال از «کهیص» نقل شده است.

غیبت حضرت از کجا شروع شد؟

بعد از شهادت پدر (۲۶۰ ق) در سن چهار سالگی به امامت رسید و بر پیکر حضرت نماز خواند و امامت امت بر عهده ایشان گرفت. غیبت صغری از این زمان آغاز شد و ارتباط امام از طریق نواب خاص با امت اسلامی برقرار شد.

یکی از نویسندگان مقاله مناسبی در معرفی این چهار نایب حضرت با عنوان «باچهار نایب حضرت مهدی (عج) آشنا شویم» منتشر کرده است که به نظر مقاله مناسبی برای آشنایی با این چهار شخصیت است. علاوه بر آن باید از کلامی حضرت که به واسطه نواب با امام ارتباط داشتند و در محدوده های خاصی انجام وظیفه می کردند هم باید یاد کنیم. بالاخره با وفات نایب چهارم ایشان در ۳۲۹ ق غیبت کبری آغاز شد و البته می دانید که مطابق روایات و مصالح مهمی، زمان ظهور حضرت نامعلوم و مدعی تعیین دروغگو معرفی شده است.

را می برد، اشکش جاری می شود؟ خدا آگاهش کرد که «کاف» کربلا، «هائ»، هلاک عترت، یاء، نام یزید، عین، عطش، و صاد، نشان صبر حضرت بر بلاها است. زکریا تقاضای فرزندی کرد که به دردتش گرفتار شود، همان طور که محمد (ص) را دردمند حسین (ع) ساخت.

نمونه دوم: سعدبن عبدالله قمی برای پاسخ برخی سوالاتش نزد احمدبن اسحاق رفت. احمدبن اسحاق کیست؟ مصاحب امام عسکری (ع) در سامرا که بعدها وکیل امام زمان در قم شد. سعد به احمد توضیح داد که برای پرسش از برخی معضلات در تاولیل و مشکلاتی در تنزیل می خواهد حضرت عسکری را ببینم. او خود امام عسکری کودکی را دید و امام سعد را به فرزندش ارجاع داد تا پاسخ سوالاتش را از وی بگیرد. سعد از فاحشه مبینه (طلاق، ۱) سوال کرد حضرت آن را توضیح داد.

آیا علم به تفسیر اهمیت خاصی در امامت دارد که بر جایگاه

تفسیری اهل بیت و امام زمان (عج) این مقدار تاکید می شود؟ بله. علم به مراد خداوند از قرآن به جهات مختلف دارای اهمیت است. قرآن کتاب دین است و امامت مجری دین. اگر علم به قرآن نداشته باشد چگونه می تواند مجری دین باشد؟ بنابراین این جایگاه مرجعیت تفسیری امام به عنوان بخشی از شئون امام مطرح است و اگر چنین صلاحیتی نداشته باشد، نمی تواند امام باشد.

می توان برای این ادعا که صلاحیت تفسیر معصومانه نداشتن مانع امامت است، از ائمه معصوم روایوی و مستندی هم نشان داد یا صرفاً یک برداشت کلامی است؟

حتماً می توان. بگذارید فقط یک نمونه از خود حضرت حجت گزارش کنیم تا روشن شود که نداشتن صلاحیت تفسیری، گویای ناشایستگی مدعی امامت باشد. وقتی احمدبن اسحاق وکیل امام زمان در قم ضمن نامه ای به حضرت خبر داد که جعفر بن علی (ع) ادعای جانشینی امام عسکری را دارد، حضرت حجت در پاسخ وی به ناتوانی جعفر از تشخیص محکم از متشابه تصریح کرد و از او خواست جعفر را با پرسش از تفسیر برخی آیات امتحان کند.

این مسئله به قدری مهم است که حضرت به هر نحو ممکن این نقش را ایفا می کرد حتی از طریق مکاتبه و نامه نگاری. می توانم به گزارش ابوالحسن محمدبن احمد داود قمی اشاره کنم. وی با خط احمدبن ابراهیم نوبختی و املائی ابی القاسم الحسین بن روح (از وکلای امام زمان وکیل امام در ناحیه مقدسه) دیده است که بر پشت کتابی، جوابها وسوالهای امام زمان به اهل قم نوشته شده است. در آن کتاب، علاوه بر پاسخها سوالاتی نیز (بدون اشاره به پاسخها) مشاهده کرده است. از جمله از حضرت درباره معنای رسول در «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (تکویر، ۱۹)، قوه در «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» (تکویر، ۲۰) و چیستی اطاعت و مکان آن در «مَطَاعَةٌ لِّمَنْ أَطَاعَهُ» (تکویر، ۲۱) نیز سوال شده بود. این گزارش بر مرجعیت حضرت دلالت دارد.

به نظر می رسد مهدی (عج) همچون دیگر ائمه (ع) شخصیتی قرآنی دارد، یعنی نسبت به قرآن و تفسیر آن از جایگاه خاصی برخوردار است. آیا می توان شناختی از شخصیت قرآنی و جایگاه تفسیری حضرت به دست داد؟

بله، اساساً یکی از شئون و وظایف ائمه در نظام امامت شیعی تبیین و تشریح قرآن و به بیانی تفسیر آن و بیان مراد خداوند از قرآن کریم در هر عصر و دوره ای است و امام زمان هم این شان؛ جایگاه و وظیفه را دارد و برای همین محصول مطالعه ای که در قالب مقاله در دانش نامه اهل بیت و قرآن کریم ارائه کرده ایم نشان می دهد که حضرت دست کم سه موقعیت و جایگاه مهم نسبت به تفسیر دارد، مثل جایگاه مرجعیت تفسیری و تعلیمی، جایگاه اصلاح گری و انتقادی و احیاءگری نسبت به قرآن کریم.

درباره جایگاه مرجعیت تفسیری و تعلیمی چه اشاراتی از تاریخ در اختیار داریم؟

اشارات به این جایگاه حضرت به شیوه های مختلف صورت گرفته است، مثلاً: اشاره به صلاحیت برای مرجعیت تفسیر معصومانه: حضرت وقتی از امیر مومنان (ع) درباره معنای عترت در سخن پیامبر (ص) (بین شما دو شی گران بها می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم) سوال شد، فرمود: «من و حسن و حسین و امامان هفتگانه از حسین که نهمین آنها مهدی شان است از کتاب خدا جدا نمی شوند و کتاب نیز از آنها جدا نمی گردد تا هر دو به رسول خدا در حوض وی وارد شوند».

می بینید که این حدیث «صلاحیت امام عصر برای مرجعیت معصومانه تفسیری» را نشان می دهد است، به این خاطر که «جدا نشدن ابدی مهدی به عنوان یکی از عترت از قرآن» دلیل عصمتش از خطا و هوای نفس است و «جدانشدن کتاب خدا از مهدی» هم مبین علم او به همه معانی و معارف قرآن و گویای مصونیتش از نسیان، و توانمندان بر تفسیر همه معانی و معارف قرآنی است و چنین کسی مطلوب ترین گزینه برای مرجعیت تفسیری است.

یا اشاره به برخورداری امام مهدی از منبع لدنی و الهی علم به قرآن. امام باقر (ع) نیز تصریح کرده است علم به کتاب الله و سنت پیامبر (ص) در قلب مهدی آنان می روید همان طور که گیاه به بهترین شکل خود می روید، و او را معدن العلم می نامند.

آیا در عرصه عمل هم گزارشی از پاسخگویی حضرت به سوالات تفسیری در اختیار داریم؟

بله، من دو نمونه برایتان معرفی می کنم. نمونه اول: می توانم به خبری اشاره کنم که طبق آن امام مهدی (ع) در طفولیت به سوال سعدبن عبدالله اشعری از تاولیل «کهیص» پاسخ داده است. بر این اساس حضرت این حروف را از اخبار غیبی دانست که خدا زکریا را از آن مطلع کرد و بعد داستانش را به حضرت محمد (ص) بازگفت؛ اینکه زکریا، از پروردگار آموزش اسمای خمسه را خواست و بعد از تعلیم، پرسید چرا تا نام حسین

«انی تارک فیکم الثقلبین کتاب الله وعترتی ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا ابدا»، این جمله آخرین وصیت های پیامبر (ص) به مسلمانان بود. حضرت فرمود: «من در میان شما دو امانت نفیس و گران بها می گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت را». از همین جا می توان مسیری که پیامبر (ص) برای امتش ترسیم کرده بود، به درستی شناخت اما تاریخ روایت دیگری برای ما بازگو می کند. روایتی که مسلمانان برخلاف فرموده رسول مسیر خودشان را رفتند، تمسک نجستند و البته راه گمراهی را پیشه کردند.

عده کمتری اما با همه مشقت و پردباری تمسک جستند و در زندگی و حیات اجتماعی همان راهی را رفتند که پیامبر (ص) توصیه کرده بود. این بار می خواهیم این ارتباط و اتصال را به بهانه نیمه شعبان مرور کنیم. می خواهیم به این بردازیم که امام مهدی (عج) چگونه به قرآن کریم نگاه می کنند و ارتباط و جایگاه ایشان در تفسیر قرآن چگونه است. از این منظر ما در مسیر فرموده پیامبر (ص) گام برمی داریم، برای هدایت و دوری از گمراهی.

حجت الاسلام و المسلمین محمد عابدی عضو هیأت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مدتی است که مشغول دانش نامه امام مهدی (عج) و قرآن در مجموعه دانش نامه قرآن و اهل بیت (ع) پژوهشگاه است. از این رو خبرگزاری ایسنا با وی به گفتگو پرداخته است تا بخشی از جایگاه قرآن نزد حضرت مهدی (عج) را برایشان تشریح کند.

اولین سوالی که در مواجهه با موضوع حضرت مهدی به ذهن می رسد، شناخت شناسنامه ای از ایشان است. چگونه می توان ایشان را معرفی کرد؟

حضرت مهدی (عج) روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ ق (۸۶۸ م) در سامرا از شهرهای عراق متولد شد. پدرشان امام حسن بن علی عسکری (ع) و مادرش نرجس (س) یا سوسن گزارش شده است که طبق روایتی خود را بین سپاه روم جای داد و همراه جمعی

تحلیلی بر جدید بودن دین بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)

در احادیث مرویه از ائمه، از سویی وارد شده است که هنگام ظهور حضرت مهدی، آن حضرت آئین و سنت جدیدی را به مردم ارائه می کند چنانکه از امام صادق روایت شده که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بُدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ» (ارشاد مفید ج ۲ ص ۲۸۴) یعنی وقتی قائم آل محمد قیام کند امر جدیدی را می آورد همانگونه که رسول خدا در ابتدای اسلام، مردم را به آئین جدیدی دعوت نمود. ولی از سوی دیگر روایاتی نیز از جانب ائمه نقل شده که آن حضرت به همان سیره و آئین پیامبر اکرم عمل می کند «... بِسِيرَةِ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ يَعْملُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ.» (ارشاد مفید ج ۲ ص ۲۸۳)؛ و در اینجا این پرسش شکل می گیرد که جمع دو سوی مسئله چگونه است؟ چگونه ممکن است آئینی که حضرت مهدی به مردم ارائه می کند همان آئین و سیره پیامبر اسلام باشد و در عین حال این سنت و سیره، جدید باشد؟ در پاسخ لازم است به چند نکته توجه کنیم.

نکته اول این که پیامبر فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نَكُلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کافی ج ۱ ص ۲۲) ما گروه انبیاء مأموریت داریم که به اندازه عقول مردم با مردم سخن بگوییم؛ بر اساس این حدیث، دینی که از جانب پیامبران به مخاطبان متفاوت ارائه شده، متفاوت بوده است؛ زیرا طبق آیات قرآن، اکثریت مخاطبان پیامبران فاقد درک و عقلانیت لازم برای فهم حقائق دینی بوده اند به گونه ای که جمله «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

تحلیلی بر جدید بودن دین بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)



مردم قابل دریافت نبود و اینک که عقول مردم توسط تبیین های مهدوی همه کامل شده اند ابلاغ شده و به آنها عمل می گردند. این تحلیلی است که در روایتی، به آن اشاره شده و چنین بیان گشته است که «إِذَا قَامَ سَارٌ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ أَثَارَ مُحَمَّدٍ» (غیبت نعمانی، ص ۱۶۴)؛ یعنی وقتی حضرت مهدی قیام کرد به سیره رسول خدا و به آثار محمدی عمل می کند؛ جز این که ظهور آن حضرت است که زمینه های بیان سیره پیامبر را فراهم می کند و او است که با کامل سازی عقول، مبین آثار محمدی است «إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ أَثَارَ مُحَمَّدٍ» یعنی شرایط تبیین قبل از ظهور برای اغلب مردم فراهم نبوده و با ظهور آن حضرت است که شرایط تبیین حاصل می گردد.

علم و دانایی مردم بسیار افزایش می یابد؛ در روایتی آمده است که «إِذَا قَامَ قَائِمًا وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنًا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَهْلَامَهُمْ» (کافی ج ۱ ص ۲۵) وقتی قائم آل محمد قیام می کند خداوند دست قدرتش را بر سر مردم قرار می دهد و این منجر به این می شود که عقول مردم به هم پیوسته و جمع گردند و فهم همه آنان کامل شود؛ یعنی مردم، از نظر فکری و عقلانی، مثل زمان پیامبر دو گروه یا چند گروه نیستند؛ بلکه همه مردم در سطح انسان های کاملی مثل حضرت سلمان خواهند بود لذا چون فهم ها کامل می شوند همه مردم شایسته دریافت حقایق خواهند بود که امثال حضرت سلمان در زمان پیامبر دریافت می کردند؛ بنابراین همه آن حقائق دینی که در زمان خود پیامبر، عامه مردم از دریافت آن محروم بودند و به آنها ابلاغ نشده بود، اینک در زمان ظهور به مردم ارائه و ابلاغ می شوند؛

و چون این حقائق در قبل از ظهور به اغلب مردم ارائه و ابلاغ نمی شوند پس اغلب مردم در زمان ظهور حضرت مهدی با آئین جدیدی روبرو خواهند بود؛ در عین حال که مطالب دریافتی جدید، در زمان پیامبر هم موجود بوده اند و جدید نیستند، و به امثال سلمان ابلاغ شده و به آنها عمل می شد؛ پس آئین الهی در زمان ظهور، هم آئین جدیدی است چون چنین آئینی قبل از ظهور، به اغلب مردم ابلاغ نشده نبود و هم جدید نیست چون همین مطالب عالی در زمان پیامبر اسلام هم ابلاغ شده بود و به آنها توسط افرادی مثل سلمان عمل می شده است؛ ولی برای اغلب

مکررا در مورد مخاطبان انبیاء بکار رفته است و از جمله در مورد مخاطبان زمان پیامبر اسلام چنین آمده است که «وَمَا أُرْسِلُنَا إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۲۸ سبأ)؛ و نیز تعبیر «لَا يَعْقِلُونَ» مکررا برای اکثر مخاطبان انبیاء و از جمله مخاطبان پیامبر اسلام بکار رفته است؛ بنابراین دینی که به این اکثریت مخاطبان ضعیف الفکر، از جانب انبیاء ارائه شده در حد ظرفیت عقلی و فکری ضعیف آنها بوده است؛

اما از سوی دیگر در بین مخاطبان انبیاء و از جمله مخاطبان پیامبر اسلام افراد بسیار فهیمی مثل سلمان بوده اند که قطعاً طبق حدیث «. نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» حقائق دینی در سطح عالی به آنها ارائه و ابلاغ شده است؛ ولی تفاوت دانسته های این دو دسته تا جایی است که در مورد سلمان وارد شده است «وَلَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ» (کافی ج ۲ ص ۳۳۲) اگر ابوذر چیزهایی را که در قلب سلمان بود می دانست او را می کشت؛ پس حقائق دینی در زمان پیامبر به هر دو دسته ارائه و ابلاغ شده اند، هم به عامه مردم و هم به خواصی مثل سلمان، منتهی چون دسته فهیمان، اقلیت کم تعدادی بوده اند حقائق دینی که به آنها ابلاغ شده در بین عموم مردم مخفی بوده است تا جایی که حتی امثال ابوذر هم که از برجستگان دسته اول است، از دانستن چنین حقایقی محروم بوده است.

نکته دوم این که طبق روایات ظهور، در زمان ظهور حضرت مهدی

کریم جعفری

آنچه ترامپ گفته، اعلام جنگ رسمی است!

با نگاهی به دستور ترامپ به دستگاه‌های مختلف دولتی برای بازگرداندن «فشار حداکثری» به ایران متوجه یک نکته بسیار مهم خواهیم شد و آن هم اینکه ترامپ در مورد تمرکز بر «بمب اتم» ایرانی دروغ گفته است. این دروغ بزرگ که بارها توسط رئیس جمهور آمریکا تکرار و متأسفانه توسط برخی از مقامات ارشد کشور (از معاون اول رئیس جمهور تا وزیر امور خارجه) بدون دقت و به شکل شتابزده‌ای مطرح گردید نشان داد که صحبت‌های چند روز پیش ما در این مورد کاملاً درست بوده است.

اینکه ترامپ می‌گوید «من فقط می‌خواهم آن‌ها سلاح هسته‌ای نداشته باشند»، ماهیت ریاکارانه آن‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. همانگونه پیش از این هم گفتیم، ترامپ می‌خواهد یک «گفت‌وگو» یا «مذاکره» را شروع کند و می‌داند به محض شروع، او با دسترسی به رسانه‌ها، ذات جرزنی، هیاهوگری و هوچی‌گری که دارد و به هیچ اخلاق سیاسی و فردی هم پایبند نیست مساله را به گونه‌ای پیش می‌برد که دیگر طرف ایرانی نتواند از میز مذاکره جدا شده و باید به همه مسائل دیگر هم پرداخته شود.

در واقع، ترامپ در جایگاهی نیست که بخواهد فقط برنامه هسته‌ای یا سلاح هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد و بی‌خیال دو مساله مهم دیگر یعنی «موشک‌های بالستیک» و «نفوذ منطقه‌ای» گردد. با نگاهی به Fact Sheet منتشر شده توسط کاخ سفید پس از اظهارات ترامپ، می‌توان به خوبی دریافت که پشت این تحریم‌ها و یا به قول برخی‌ها یادداشت امضاشده توسط ترامپ یک دنیا حرف و موضع‌گیری است که من نمی‌دانم چرا برخی بدون مطالعه همه این موارد دست به اظهار نظر می‌زنند.

شاید یکی از دلایلی که او پس از دیدار با نخست‌وزیر جنایتکار رژیم یهودی «ایران را قدرتمند» دانست، همین مطالعه و برنامه‌ریزی روی ایران بود. من به خوبی دیدم که در فضای مجازی بسیاری از افراد روی این مساله مانور دادند اما دلیل این اظهار نظر ترامپ را شاید به خوبی متوجه نشدند. ترامپ با این اظهار نظر، در واقع خواست بگوید که بر روحیه ایرانی‌ها اشراف داشته و می‌داند که چگونه باید در نهاد سیاست ایران اثر بگذارد. اما شاید چیزی که او بیش از همه نمی‌داند این است که با این تحریم‌ها و اقدامات بیش از پیش بخش بزرگی از جامعه ایران را در کنار حاکمیت قرار خواهد داد.

اما در مورد تحریم بندر چابهار، با توجه به اینکه هندی‌ها در طول یک دهه گذشته با وقت‌کشی آنگونه که باید و شاید در این



بندر سرمایه‌گذاری لازم را نکردند، باید به

هشدارهایی که در طول این سال‌ها نگارنده

داده بود توجه کرد. بارها تاکید داشتیم

که بندر چابهار به جای هندی‌ها باید به

کنسرسیومی از شرکت‌های توانمند بخش

خصوصی ایران واگذار شده و با حمایت

مستقیم دولت و بانک‌ها از این کنسرسیوم،

راه توسعه دقیق و همه جانبه این بندر فراهم

شود. این در حالی است که این کنسرسیوم

می‌تواند از شرکای چینی و روسی نیز در

این حوزه استفاده کند تا هر چه سریع‌تر این

بندر به بهره‌برداری برسد. ما تا افاق ۱۴۰۸

باید چابهار را تکمیل شده داشته باشیم.

تلاش ترامپ برای اثرگذاری روی اقتصاد و معیشت مردم ایران شاید در وهله اول قابل توجه و موثر به نظر برسد، اما او امروز هیچ یک ابزارهای فشار حداکثری خود را در اختیار ندارد. اینکه او روی کاغذ و در برابر دوربین‌ها در حال کشورگشایی است، موضوع مهمی است که باعث می‌گردد بسیاری از کشورها حاضر به همراهی و همکاری با آمریکا نشوند. به عبارت بهتر، اقدامات ترامپ علیه سازمان‌ها و نهادهای برخاسته از اراده غرب و علیه خود این کشورها، باعث شده تا مساله‌ای بنام ایران عملاً در منظومه فکری آن‌ها به حاشیه رانده شود.

با توجه به اینکه رئیس جمهور آمریکا به صورت کامل در حال نبرد با همه کشورهای جهان، از همسایگان تا جزایر دورافتاده است، این کشورها رغبتی به تن دادن به خواسته‌های آمریکا را ندارند. اما ایران یک لقمه گلوگیر برای ترامپ است؛ این ایرانی‌ها بودند که او را تهدید به مرگ کردند و سایه این تهدید چنان بر سر او سنگینی می‌کند که در اظهارات اخیرش هم آن را مورد اشاره قرار داد. از طرف دیگر، او از اینکه ایرانی‌ها تهدیداتش را به هیچ گرفته و عین الاسد را در هم کوبیدند، هنوز عصبانی و به هم ریخته و آن را تحقیر خود می‌داند.

بنابراین ترامپ به فکر تلافی است؛ به نظرم مساله ایران واقعا بیش از چین یا حتی اوکراین ذهن ترامپ را به دلایل گفته شده در بالا مشغول کرده است. ایران تنها کشوری بود که در دوره نخست ریاست جمهوری‌اش با آمریکا برخورد نظامی کرد، علی‌رغم تمایل شدیدش برای مذاکره و رسیدن به توافقی با ایران در امضای آن تاکام ماند (شاید آن را یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست خود در دور پیش ارزیابی می‌کند) و امروز او با همه این

تمرکز آمریکا بر تحریم بندر چابهار

همه جانبه این بندر فراهم شود. این در حالی است که این کنسرسیوم می‌تواند از شرکای چینی و روسی نیز در این حوزه استفاده کند تا هر چه سریع‌تر این بندر به بهره‌برداری برسد. ما تا افاق ۱۴۰۸ باید چابهار را تکمیل شده داشته باشیم.

تلاش ترامپ برای اثرگذاری روی اقتصاد و معیشت مردم ایران شاید در وهله اول قابل توجه و موثر به نظر برسد، اما او امروز هیچ یک ابزارهای فشار حداکثری خود را در اختیار ندارد. اینکه او روی کاغذ و در برابر دوربین‌ها در حال کشورگشایی است، موضوع مهمی است که باعث می‌گردد بسیاری از کشورها حاضر به همراهی و همکاری با آمریکا نشوند. به عبارت بهتر، اقدامات ترامپ علیه سازمان‌ها و نهادهای برخاسته از اراده غرب و علیه خود این کشورها، باعث شده تا مساله‌ای بنام ایران عملاً در منظومه فکری آن‌ها به حاشیه رانده شود.

با توجه به اینکه رئیس جمهور آمریکا به صورت کامل در حال نبرد با همه کشورهای جهان، از همسایگان تا جزایر دورافتاده است، این کشورها رغبتی به تن دادن به خواسته‌های آمریکا را ندارند. اما ایران یک لقمه گلوگیر برای ترامپ است؛ این ایرانی‌ها بودند که او را تهدید به مرگ کردند و سایه این تهدید چنان بر سر او سنگینی می‌کند که در اظهارات اخیرش هم آن را مورد اشاره قرار داد. از طرف دیگر، او از اینکه ایرانی‌ها تهدیداتش را به هیچ گرفته و عین الاسد را در هم کوبیدند، هنوز عصبانی و به هم ریخته و آن را تحقیر خود می‌داند.

بنابراین ترامپ به فکر تلافی است؛ به نظرم مساله ایران واقعا بیش از چین یا حتی اوکراین ذهن ترامپ را به دلایل گفته شده در بالا مشغول کرده است. ایران تنها کشوری بود که در دوره نخست ریاست جمهوری‌اش با آمریکا برخورد نظامی کرد، علی‌رغم تمایل شدیدش برای مذاکره و رسیدن به توافقی با ایران در امضای آن تاکام ماند (شاید آن را یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست خود در دور پیش ارزیابی می‌کند) و امروز او با همه این ناکامی‌ها، می‌خواهد با سیاست چماق و هویج با ایران برخورد کند در حالی که اصولاً ایران به هیچ عنوان با ایران سال ۱۳۹۸ قابل قیاس نیست.

اظهارات رهبر انقلاب در رابطه با آمریکا و شخص ترامپ، به نوعی تحقیر دوباره او بود؛



تحریم‌ها مانع از گسترش همکاری با ایران نخواهد شد

«ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه روز پنج‌شنبه عنوان کرد که مسکو به دنبال تقویت همکاری‌ها با تهران است و تحریم‌ها مانعی در این راه نخواهند بود.

زاخارووا در جریان یک نشست خبری گفت: «ما قصد داریم که به همکاری با دوستان ایرانی ادامه دهیم و به شکل پیوسته و در تمامی زمینه‌ها، به تقویت همکاری‌های سودمند متقابل - که به نفع مردم دو کشور است - بپردازیم.»

وی ادامه داد: «فشارهای خارجی و تحریم‌ها مانع این امر نخواهند شد. حتی گاهی اوقات همین تحریم‌ها باعث تحریک و پیشبرد برخی از تماس‌های دوجانبه می‌شوند؛ برخی از تحریم‌ها به عنوان «کالتالیزور» در وقوع برخی مسائل عمل می‌کنند.»

ناکامی‌ها، می‌خواهد با سیاست چماق و هویج با ایران برخورد کند در حالی که اصولاً ایران به هیچ عنوان با ایران سال ۱۳۹۸ قابل قیاس نیست.

اظهارات رهبر انقلاب در رابطه با آمریکا و شخص ترامپ، به نوعی تحقیر دوباره او بود؛ ترامپ از اینکه «نه» بشنود به شدت به هم می‌ریزد و فکر می‌کند قدرتش به عنوان رئیس جمهور آمریکا نادیده گرفته شده است. اما در ایران، کارشناسان بسیار خبره‌ای هستند که تحولات آمریکا را مورد مطالعه روزانه قرار می‌دهند و اشراف خوبی در مورد تحولات این کشور دارند. این اشراف خوب و قابل توجه باعث می‌شود که ایرانی‌ها به خوبی بدانند که چه می‌خواهند. در تهران، امریکای امروز بسیار ضعیف‌تر، ناتوان‌تر و منزوی‌تر از امریکای ۸ سال پیش است که نیازی به توجه به تهدیداتش نیست.

از طرف دیگر، با توجه به موضع‌گیری رئیس جمهور آمریکا در مورد فلسطین و غزه و تحقیر کشورهای عربی موقعیت و جایگاه ایران در منطقه به خودی خود تقویت می‌شود. شاید هیاهوی ترامپ برای برخی از کشورها جدی تلقی شود اما در تهران کسی به این هیاهوها توجهی نمی‌کند. سیاست تحریم و مذاکره، چیزی نیست که جواب بدهد. منطق آیت‌الله خامنه‌ای در برخورد با آمریکا پاسخی ندارد. بدون شک ایران فرصتی بی‌نظیر پیدا کرده که برنامه‌های خود در منطقه را با قدرت هر چه بیشتر پیگیری کند... باید منتظر واکنش کاخ سفید به موضع‌گیری صریح و شفاف رهبر انقلاب باشیم.



ترامپ از اینکه «نه» بشنود به شدت به هم می‌ریزد و فکر می‌کند قدرتش به عنوان رئیس جمهور آمریکا نادیده گرفته شده است. اما در ایران، کارشناسان بسیار خبره‌ای هستند که تحولات آمریکا را مورد مطالعه روزانه قرار می‌دهند و اشراف خوبی در مورد تحولات این کشور دارند. این اشراف خوب و قابل توجه باعث می‌شود که ایرانی‌ها به خوبی بدانند که چه می‌خواهند. در تهران، امریکای امروز بسیار ضعیف‌تر، ناتوان‌تر و منزوی‌تر از امریکای ۸ سال پیش است که نیازی به توجه به تهدیداتش نیست.

از طرف دیگر، با توجه به موضع‌گیری رئیس جمهور آمریکا در مورد فلسطین و غزه و تحقیر کشورهای عربی موقعیت و جایگاه ایران در منطقه به خودی خود تقویت می‌شود. شاید هیاهوی ترامپ برای برخی از کشورها جدی تلقی شود اما در تهران کسی به این هیاهوها توجهی نمی‌کند. سیاست تحریم و مذاکره، چیزی نیست که جواب بدهد. منطق آیت‌الله خامنه‌ای در برخورد با آمریکا پاسخی ندارد. بدون شک ایران فرصتی بی‌نظیر پیدا کرده که برنامه‌های خود در منطقه را با قدرت هر چه بیشتر پیگیری کند... باید منتظر واکنش کاخ سفید به موضع‌گیری صریح و شفاف رهبر انقلاب باشیم.

الگوی (زیست شهر مولد) پاسخ کاملی به نیاز مسکن نیست

علی فرنام



وی افزود: از طرفی در خصوص توسعه زمین شهری و رشد شهرها، هیچ گونه حساسیتی اتفاق نیفتاده و حتی شهرهای تاریخی ما هم تقریباً تراکمی معادل شهرهای امروز ما داشته‌اند.

■ **تأمین خدمات شهری مهمتر از الحاق اراضی برای مسکن سازی**

مدیر گروه عمران و شهرسازی مرکز پژوهش‌های مجلس با تأکید بر اینکه از زمان ورود طرح‌های جامع شهری به برنامه ریزی کالبدی در ایران از دهه ۱۳۵۰ به بعد، تراکم در شهرهای ما تغییر معناداری پیدا نکرده است، گفت: پیرامون کلاشهرها در ایران، شهرهای متعددی شکل گرفته‌اند؛ مثلاً در اطراف کلاشهرهای تهران و کرج، حدود ۶۰ شهر شکل گرفته‌اند. وقتی از تهران خارج می‌شویم حدود ۱۷ شهر شکل گرفته‌اند بدون اینکه فاصله و مرز مشخصی بین آنها باشد. بنابراین گسترش افقی هم در ایران به وفور اتفاق افتاده است. ولی توسعه ما توسعه متوازنی نبوده است.

وی افزود: شاید در برخی شهرها زمین عرضه نشده باشد ولی اینکه ما بخواهیم به طور گسترده در همه شهرها اراضی مختلف پیرامون شهر را به شهر الحاق و برای مسکن سازی عرضه کنیم، محل بحث است. در دهه ۶۰ نرخ رشد جمعیت در شهرهای ایران بسیار بالا بوده است. در این دهه ۳ سیاست آماده‌سازی زمین، شهرهای جدید و توسعه شهرها در قالب طرح جامع برای پاسخ به این نرخ فرایند جمعیت در نظر گرفته شد.

فرنام ادامه داد: هنوز در برخی شهرها، اراضی الحاقی از دهه ۷۰ به طور کامل بارگذاری نشده‌اند. نکته اصلی در کنار الحاق زمین و بحث تأمین مسکن، خدمات شهری از قبیل پارک، مسجد، کلابتری، درمانگاه و غیره است که در بسیاری از الحاق‌های انجام شده در گذشته، هنوز این خدمات شهری شکل نگرفته‌اند. در شهرهای جدید اطراف تهران که با تراکم بسیار بالایی ساخته شده‌اند، بعد از ۱۰ تا ۱۵ سال هنوز خدمات شهری شکل نگرفته‌اند. بنابراین چرخه‌های اقتصادی، اجتماعی و کاربری زمین همگی باید با هم دیده شوند.

■ **زیست‌شهر مولد نمی‌تواند یک الگوی رایج و جامع برای کل کشور باشد**

فرنام گفت: در حال حاضر و شرایط فعلی هم اگر کسی تمایل

هفتمین نشست از یازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی با موضوع «تغییر کاربری و خرد شدن اراضی کشاورزی»، شنبه ۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۷ و با میزبانی «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» برگزار شد. علی فرنام، مدیر گروه عمران و شهرسازی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این نشست گفت: در ۱۱۰۰ شهر از کشور، اولویت توسعه، به شکل کم تراکم است و در گوه‌های توسعه شهری هم باید از توسعه افقی و هم از توسعه عمودی مد نظر سیاستگذار باشد. برای استفاده از الگوی «زیست‌شهر مولد» به عنوان پاسخی به نیاز همزمان مسکن و امنیت غذایی، حتماً باید ابعاد مختلف آن در نظر گرفته شود.

■ **زیست‌شهر مولد یک الگوی چند وجهی اما مبهم**

فرنام ادامه داد: اگر متقاضی برای چنین سبک سکونتی وجود داشته باشد حاکمیت باید حتماً به سراغ توسعه آن برود. ولی پیش از توسعه این الگو، سوال اینجاست که چرا جمعیت فعلی روستایی ما نیز با وجود حمایت‌های گسترده در زیرساخت‌های روستایی بعد از انقلاب از جمله کشیدن راه روستایی، رساندن آب، گاز، برق و غیره کم‌کم تمایل به مهاجرت به شهرها دارند و جمعیت روستائین ما با کاهش شدید به ۲۰ میلیون نفر رسیده است؟ چرا با وجود ایجاد اشتغال در روستاها، مهاجرت به شهرها برای مشاغل کم کیفیت همچنان پایدار است؟ اینها مسائل چند بعدی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند که پیش از توصیه به احداث زیست شهر مولد، ابتدا باید به آنها پاسخ داده شود.

■ **بالا بودن تراکم شهرها در ایران؛ کژفهمی در طرح مسأله**

فرنام با تأکید بر اینکه باید بنیاد مسکن پاسخگو باشد که چرا با وجود ظرفیت تولید معیشت محور در روستاها، این سبک از تولید روستایی کاهش پیدا کرده است، افزود: اینکه گفته می‌شود علت رشد قیمت مسکن، بستن محدوده شهرها است و تراکم در این محدوده به شدت بالا است و باز کردن محدوده شهری راه حل است، شاید در خصوص برخی شهرهای ما صادق باشد ولی برای بسیاری از شهرها صادق نیست. بنابراین شاید موضوع مسکن و چالش‌های آن در کلاشهرها با توسعه حومه نشینی حل شود ولی الزاماتی دارد که باید از طریق حمل و نقل یکپارچه اتفاق بیفتد.

زنجیره تأمین؛ میدان نبرد

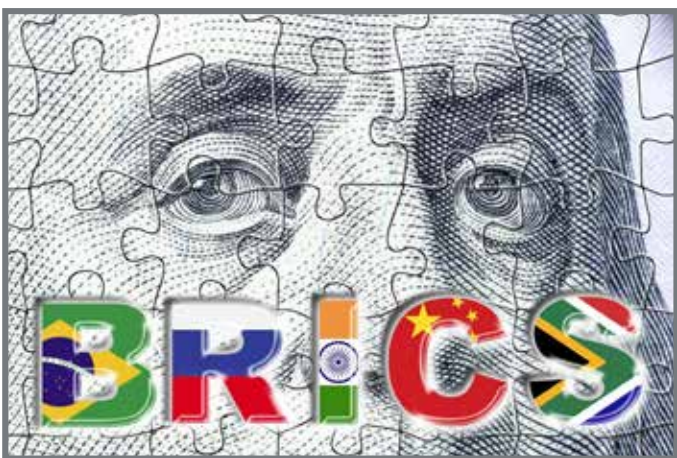
خرابکاری در زنجیره‌های تأمین، از گذشته تا امروز، یکی از ابزارهای کلیدی در جنگ‌های اطلاعاتی و ژئوپلیتیکی بوده است. از جنگ سرد تا عصر دیجیتال، کشورها از نفوذ به زنجیره‌های تأمین برای جاسوسی و ضربه زدن به اقتصاد و زیرساخت‌های دشمنان خود استفاده کرده‌اند. نمونه اخیر این استراتژی، خرابکاری در دستگاه‌های ارتباطی (پیجرها) حزب‌الله لبنان است که توسط اسرائیل انجام شده و نشان‌دهنده تلاطم اهمیت زنجیره‌های تأمین به‌عنوان نقطه ضعف حیاتی در جنگ‌های اطلاعاتی است. در طول تاریخ، مواردی مانند عملیات روبیکون توسط سازمان سیا یا نفوذ اتحاد جماهیر شوروی به زنجیره‌های تأمین غرب، ابعاد گسترده این استراتژی را آشکار کرده‌اند. در عصر دیجیتال، این نوع خرابکاری‌ها پیچیده‌تر شده‌اند؛ برای مثال، هک سولارویندر توسط روسیه نشان داد که نفوذ سایبری می‌تواند به زیرساخت‌های حیاتی آسیب برساند.

چین نیز با رویکردی جامع و هماهنگ، از زنجیره‌های تأمین برای پیشبرد اهداف اقتصادی و نظامی خود بهره می‌گیرد. برخلاف شوروی، این کشور با ادغام تجارت، دولت و ارتش، از زنجیره‌های تأمین برای دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و اطلاعات استراتژیک استفاده می‌کند.

برای مقابله با این تهدیدات، کشورها باید رویکردی جامع، پیشگیرانه و هماهنگ اتخاذ کنند. همکاری میان دولت‌ها، بخش خصوصی و نهادهای امنیتی در سطح بین‌المللی می‌تواند به ایجاد زنجیره‌های تأمین مقاوم و امن کمک کند و از سوءاستفاده دشمنان جلوگیری کند. امنیت زنجیره‌های تأمین، دیگر تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه به موضوعی حیاتی برای ثبات و امنیت جهانی تبدیل شده است. (نشریه فارین پالیسی)

تجارت ۵۰۰ میلیارد دلاری بریکس؛ گامی به سوی استقلال از دلار و سلطه غرب

توحیدورستان



همراه با درگیری مستمر روسیه با غرب، خطر از هم‌پاشیدگی اتحاد این بلوک را به همراه دارد. این تنش‌ها با سیستم‌ها و اولویت‌های سیاسی متفاوت تشدید می‌شوند که دستیابی به اجماع در موضوعات مهمی مانند سیاست‌های تجاری و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری را دشوار می‌کند.

علاوه بر این، محیط اقتصادی جهانی چالش‌های قابل توجهی را برای جاه‌طلبی‌های بلوک بریکس ایجاد کرده است. اثرات ماندگار تورم ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، همراه با کندی رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۴، بی‌ثباتی بیشتری را در تجارت بین‌المللی به وجود آورده است. وابستگی شدید کشورهای بریکس به صادرات کالا، آن‌ها را به‌ویژه در برابر نوسانات بازار آسیب‌پذیر کرده است. به عنوان نمونه، کاهش تقاضای جهانی بر صادرات محصولات کشاورزی برزیل و درآمدهای نفتی روسیه تأثیر منفی گذاشته است. این آسیب‌پذیری‌ها بر اهمیت تنوع‌بخشی اقتصادی تأکید می‌کنند، اما تحقق این هدف به دلیل محدودیت‌های ساختاری و سرمایه‌گذاری ناکافی در حوزه نوآوری و فناوری، برای بسیاری از اعضای بریکس همچنان چالشی جدی است.

تلاش برای ایجاد یک معماری مالی جایگزین نیز با مقاومت نهادهای غربی مواجه شده است. در حالی که ابتکارات تجاری NDB و ارز محلی گام‌های مهمی را نشان می‌دهند، مقیاس محدود آن‌ها در مقایسه با نفوذ جهانی بانک جهانی و سیستم مالی تحت سلطه دلار آمریکا هنوز پابرجاست. گسترش دامنه این ابتکارات مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های فناوری دیجیتال و سرمایه‌انسانی است، حوزه‌هایی که کشورهای بریکس از اقتصادهای توسعه‌یافته عقب هستند. به عنوان مثال، زیرساخت‌های دیجیتال ناکافی در هند و آفریقای جنوبی توانایی آن‌ها را برای مشارکت کامل در تجارت الکترونیک جهانی و مزایای بالقوه یکپارچگی اقتصادی را محدود می‌کند.

تقویت همکاری جنوب-جنوب و تغییر به سمت نظم جهانی عادلانه با وجود این چالش‌ها، ظهور بریکس نشان‌دهنده یک تغییر عمیق

عضویت در بریکس، دامنه ژئوپلیتیکی بریکس و منافع اقتصادی آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی را افزایش می‌دهد و نقش این بلوک را به عنوان صدایی برای جنوب جهانی تقویت می‌کند. مشارکت اندونزی همچنین بر تعهد این بلوک به فراگیر بودن و جاه‌طلبی خود برای تغییر شکل حکومت اقتصادی جهانی تأکید می‌کند.

■ **کاهش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات تجارت دلاری**

فوذ کشورهای بریکس فراتر از تجارت درون‌بلوک بوده و از طریق نهادهایی مانند بانک توسعه جدید (NDB)، دسترسی اقتصادهای نوظهور به منابع مالی توسعه را تسهیل کرده است. این اقدام، شرایط سخت‌گیرانه موسسات مالی تحت رهبری غرب، مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، را دور می‌زند. تا سال ۲۰۲۴، NDB بیش از ۳۰ میلیارد دلار برای پروژه‌هایی از انرژی‌های تجدیدپذیر در برزیل تا توسعه زیرساخت‌ها در هند تأمین مالی کرده است. علاوه بر این، کشورهای بریکس با ترویج استفاده از ارزهای محلی در تجارت، وابستگی به دلار آمریکا را کاهش داده‌اند.

یوان چین به‌عنوان ابزاری جذاب در معاملات دوجانبه، هژمونی دلار آمریکا در بازارهای مالی جهانی را به چالش کشیده است.

این تغییر استراتژیک نه تنها حاکمیت مالی کشورهای بریکس را تقویت کرده، بلکه آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر نوسانات تجارت دلاری را نیز کاهش داده است.

■ **موانع پیش روی بریکس**

با وجود این دستاوردها، ظهور بریکس با موانع قابل توجهی مواجه است. نابرابری‌های اقتصادی در بین کشورهای عضو، چالش بزرگی برای تصمیم‌گیری منسجم است. تولید ناخالص داخلی اقتصاد چین نسبت به آفریقای جنوبی تقریباً ده برابر بیشتر است. این عدم تعادل نگرانی‌هایی را در مورد نفوذ عادلانه در داخل بلوک ایجاد می‌کند، زیرا کشورهای کوچکتر اغلب از به حاشیه رانده شدن در فرآیندهای تصمیم‌گیری هراس دارند.

تنش‌های ژئوپلیتیکی همکاری‌های درون بلوکی را پیچیده‌تر می‌کند. اختلافات طولانی‌مدت مرزی بین هند و چین

کشورهای بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، گروهی از اقتصادهای در حال ظهور بوده که به یک نیروی اصلی در تغییر نظم اقتصادی جهانی تبدیل شده‌اند. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بریکس به‌عنوان یک بلوک اقتصادی قدرتمند سلطه سنتی قدرت‌های غربی را به چالش می‌کشد. ظهور بریکس پویایی تجارت جهانی را با تقویت همکاری جنوب-جنوب، کاهش وابستگی به بازارهای غربی و حمایت از اقتصاد سیستم چندقطبی تغییر می‌دهد، هر چند که با چالش‌های داخلی و خارجی مهم دست و پنجه نرم می‌کند.

■ **تجارت ۵۰۰ میلیارد دلاری درون بریکس**

در یک دهه گذشته، کشورهای بریکس از نقاط قوت جمعی و تقویت اقتصادی خود برای تجارت و سرمایه‌گذاری در خارج و بلوک استفاده کرده‌اند. در سال ۲۰۲۴ تجارت درون بریکس از ۵۰۰ میلیارد دلار فراتر رفت که نشان‌دهنده پیوستگی فزاینده این بلوک است. این روند به دلیل ساختارهای اقتصادی تکمیل آن‌ها است، برای نمونه، صادرات کشاورزی برزیل مانند سویا و گوشت گاو بازارهای جذابی در چین پیدا کرده است یا صادرات انرژی روسیه از جمله گاز طبیعی به طور فزاینده‌ای به سمت هند و چین هدایت می‌شود.

خدمات فناوری اطلاعات هند و ثروت معدنی آفریقای جنوبی، نقش مکملی در تقویت قدرت تولید چین ایفا کرده و به شکل‌گیری یک اکوسیستم اقتصادی منسجم کمک کرده‌اند. چین، با سهمی بیش از ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این بلوک، همچنان بازیگر اصلی و تأثیرگذار است. ابتکار کمربند و جاده (BRI) نیز با تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، به‌ویژه در بنادر برزیل و بخش معدن آفریقای جنوبی، روابط تجاری را عمیق‌تر کرده است.

■ **مزایای پیوستن اندونزی به بریکس**

در یک تحول مهم، اندونزی در سال ۲۰۲۵ به عضویت کامل بریکس درآمد که نقطه عطفی در گسترش این بلوک بود. گنجاندن اندونزی وزن اقتصادی و اهمیت استراتژیک بیشتری را برای بریکس به ارمغان می‌آورد. اندونزی به عنوان بزرگترین اقتصاد در آسیای جنوب شرقی دارای یک سبد متنوع شامل بخش تولید پررونق منابع طبیعی فراوان و بازار مصرف‌کننده رو به رشد است.



روایتی متفاوت از چالش‌های فضای مجازی در زندگی امروز

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «گوزن‌های اتوبان» با اجرای محمدرضا مقدسیان و باحضور ابوالفضل صفاری (تهیه‌کننده و کارگردان)، باقر سروش (نویسنده)، علیرضا برازنده (مدیر فیلمبرداری)، سامان صفاری، نوید پورفرج (بازیگران) و پیام آزادی (آهنگساز) برگزار شد.

در ابتدای این نشست، ابوالفضل صفاری، کارگردان و تهیه‌کننده گفت: خوشحالم که بعد از سال‌ها به جشنواره فیلم فجر برگشته‌ام. نوشتن فیلمنامه «گوزن‌های اتوبان» سه سال پیش آغاز شد. فیلمبرداری نیز سال گذشته انجام شد و فیلم به این دوره از جشنواره رسید. من پیش‌تر فیلم کوتاهی درباره موضوع تاثیر هوش مصنوعی در زندگی انسان ساخته بودم. این موضوع نه تنها برای کشور ما که برای تمام دنیا موضوع به‌روزی است. در نهایت من از آن موضوع وام گرفته و این فیلم را ساختم.

باقر سروش، نویسنده بیان کرد: انسان‌ها امروز مدام مشغول بازی کردن در فضای مجازی هستند. فیلم بیشتر از این که درباره فضای مجازی باشد درباره جامعه نمایش است. جامعه نمایشی که همه ما این روزها در آن زیست می‌کنیم و از تاثیرات و عواقب این نوع زندگی آگاه هستیم.

علیرضا برازنده، مدیر فیلمبرداری بیان کرد: فیلمبرداری در فضای شهری به‌رحال چالش‌های خاص خودش را دارد. اما ما تنها به پلان فکر می‌کنیم و این که ثبت تصاویر درست اتفاق بیفتد. در این قصه‌ای که در فضایی رئال روایت می‌شود، بستر سورئالی نیز در پس‌زمینه کار وجود دارد و امیدوارم این موضوع به خوبی دیده شود.

نوید پورفرج، بازیگر درباره حضور در این اثر سینمایی نکاتی را بیان کرد و گفت: یکی از جذابیت‌های کار بازیگری برای من این است که نقش‌هایی را بازی کنم که متفاوت از دیگر کارهایم باشد. وقتی فیلمنامه را خواندم و دیدم که این نقش متفاوت از دیگر نقش‌های من است تصمیم گرفتم این کار را بپذیرم. من بازیگری را به‌دلیل ذات بازیگری دوست دارم و می‌خواهم سر صحنه از زندگی کردن نقش‌ها لذت ببرم. برایم مهم نیست که این تجربه کردن می‌تواند به نفع یا به ضرر من منجر شود.

سامان صفاری، دیگر بازیگر فیلم گفت: اولین تجربه بازیگری من «شیار ۱۴۳» بود. بعد از آن فیلم، من تصمیم گرفتم بیشتر تلاش کنم و وقتی این نقش به من پیشنهاد شد آن را به عنوان چالشی برای خودم در نظر گرفتم و کار کردم. باید بگویم که از قبل موتورسواری بلد بودم اما موتورسواری به‌عنوان یک پیک موتوری پر از جزئیات و چالش‌هایی است که تا تجربه نشود نمی‌توان آن را درک کرد.

پیام آزادی، آهنگساز بیان کرد: ما دوست داشتیم از آهنگ‌هایی استفاده کنیم که در فضای مجازی ترند می‌شوند، اما برای حضور در جشنواره‌های جهانی به مشکل کپی‌رایت می‌خوریم. در نتیجه تصمیم گرفتیم از هنگ‌درام به عنوان ساز اصلی استفاده کنیم و در کنار آن از سازهای زهی نیز بهره بردیم.

ابوالفضل صفاری گفت: این جشنواره با نظم کافی سعی در برگزاری این رویداد سینمایی دارد. برگزاری این جشنواره کار سختی است و به نظرم عوامل به خوبی از پس این کار برآمده‌اند. مدیران این جشنواره کارشان را خوب بلدند. چیزی که اهمیت دارد دیده شدن فیلم است و گرنه داوری همه‌جای دنیا سلیقه‌ای است.

او ادامه داد: من خود فضای مجازی را در فیلم نشان ندادم، زیرا سطح کار پایین می‌آمد. اما فیلم به حال و روز امروز مردم ایران در شرایط حکمرانی فضای مجازی می‌پردازد.

پورفرج گفت: امیدوارم این فیلم بتواند تاثیری هر چند کوچک بر نسل جوان بگذارد. ناراحت‌کننده است که فضای مجازی می‌تواند شکل روابط میان انسان‌ها را تغییر دهد.

باقر سروش، نویسنده گفت: ما دوگونه انسان هستیم. انسانی که نفس می‌کشد و انسانی که تبدیل به آواتار و تصویر شده است. این فیلم تصویر مجازی آدم‌ها را به چالش می‌کشد.

فیلم «موسی کلیم‌الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا یکی از آثار سینمایی است که با هدف به تصویر کشیدن زندگی پیامبر موسی (ع) ساخته شده است. این فیلم که در قالب یک درام تاریخی به بررسی چالش‌ها و مبارزات حضرت موسی (ع) با فرعون می‌پردازد، تلاش می‌کند تا پیام‌های انسانی و روحی این پیامبر بزرگ را به بینندگان منتقل کند.

داستان و مضامین

فیلم «موسی کلیم‌الله» بر اساس روایت‌های تاریخی و دینی، تلاش دارد تا زندگی حضرت موسی را در ابعاد مختلف به تصویر بکشد. این اثر بیشتر بر مبارزات ایشان برای آزادی بنی‌اسرائیل از ظلم فرعون متمرکز است. در این راستا، فیلم پیام‌هایی از امید، پایداری و فداکاری را برای تماشاگران به ارمغان می‌آورد.

در این فیلم، حاتمی‌کیا سعی دارد تا با تکیه بر جزئیات تاریخی و دینی، ضمن بازنمایی مبارزات حضرت موسی، ارزش‌های انسانی و معنوی این شخصیت بزرگ را نیز به نمایش بگذارد. از نظر برخی منتقدان، این داستان توانسته است پیام‌های عمیق‌تری نسبت به آثار مشابه به نمایش بگذارد.

دستاوردهای فنی و بازیگری

این فیلم توانسته است تا در برخی جنبه‌های فنی مثل طراحی صحنه و موسیقی، توجه ویژه‌ای به جلب مخاطب داشته باشد. طراحی صحنه‌ها و موسیقی به‌ویژه در بازسازی فضاهای تاریخی، اثرگذار و در انتقال جوامع تاریخی موفق بوده است.

با این حال، از دیدگاه برخی منتقدان، بازی برخی از بازیگران

طلوع موسی در دل تاریخ!



مانند بهنام تشکر و شکیب شجره به اندازه کافی تأثیرگذار نبوده و نتوانسته‌اند شخصیت‌های خود را به خوبی منتقل کنند. این موضوع به‌ویژه در شخصی‌سازی و درک عمق شخصیت‌های تاریخی به چشم می‌آید.

نقدهای وارد شده

در عین حال، فیلم با نقدهایی نیز مواجه شده است. بسیاری از منتقدان معتقدند که فیلم نتوانسته است عمق و ابعاد یک درام تاریخی به‌ویژه در مورد یک شخصیت مذهبی و جهانی همچون موسی (ع) را به خوبی انتقال دهد. برخی از نقدها به ضعف‌های فیلم در خلق فضاسازی‌های تاریخی، ضعف در جلوه‌های ویژه و شخصیت‌های فرعی که بیشتر به کاریکاتور شبیه هستند، اشاره دارند.

نقص غرض و نبود جغرافیا

فیلم «موسی کلیم‌الله» از نظر بسیاری از منتقدان در ساختاری که برای بیان داستان انتخاب کرده است، موفق نبوده است. به‌ویژه در تلاش برای روایت داستانی تاریخی و بزرگ مانند زندگی حضرت موسی، فیلم نتوانسته است جغرافیا و فضای دوران فرعون را به‌طور مناسب بسازد. به همین دلیل، فیلم بیشتر در معرض انتقاد قرار گرفته که نتوانسته است ابعاد تاریخ و دین را به‌درستی روایت کند.

طل

در مجموع، فیلم «موسی کلیم‌الله» با وجود برخی نکات مثبت در زمینه طراحی صحنه و موسیقی، نتوانسته است در بخش‌های مختلف مانند بازیگری، روایت داستان و ساختار درام تاریخی، توقعات را برآورده کند. به نظر می‌رسد که حاتمی‌کیا در حوزه درام تاریخی تجربه کافی نداشته و این موضوع در فیلم به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، «موسی کلیم‌الله» به عنوان یک فیلم تاریخی و دینی در حد و اندازه‌ای که انتظار می‌رفت، عمل نکرده است.

اگرچه بسیاری از تماشاگران و منتقدان نسبت به این فیلم امید داشتند که بتواند تأثیرگذار باشد و در سطح جهانی پیام‌های خود را منتقل کند، اما کیفیت پایین در اجرا و ضعف در نمایش جغرافیا و شخصیت‌های تاریخی باعث شد تا این اثر نتواند به جایگاه شایسته خود برسد.

این فیلم را بین‌المللی بدانید

سیاوش کردجان تدوینگر این فیلم بیان کرد: پروژه بسیار سنگینی بود و تصور من فیلمبرداری بالای ۱۰۰ جلسه بود و ما پروسه مونتاژ طولانی داشتیم. در کنار حس و حال، ریتم فیلم بسیار برای ما مهم بود. تدوین بازنویسی نهایی فیلمنامه ست و تمام سعی خود را کردیم تا کار خود را با رضایت پیش ببریم.

محمد برادران مدیر جلوه‌های ویژه بصری توضیح داد: اگر اجرای و ثوابی از این پروژه‌ها نصیب شده آن را به روح پدرم تقدیم می‌کنم. دوستان هوافضا ماز و موشک را سر صحنه آوردند و در جاهایی که موشک ایستاده بود، واقعی بود. سکانس‌هایی که مربوط به شلیک و پرواز موشک بود کار جلوه‌های ویژه بصری بود. ما کار تخصصی نظامی انجام دادیم و عزیزان هوافضا کنار ما بودند.

آزاده سیفی بازیگر این فیلم درباره نقش خود توضیح داد: در فیلمنامه ما و قصه‌ای که درباره جنگ است، خط داستانی عاشقانه پیش آمده و به نوعی انگیزه قهرمان ما عشق است و برای هدف بالای خود عشق را فدا می‌کند. به این دلیل چنین نقشی را بسیار دوست داشتم.

عبدالرضا نصاری دیگر بازیگر این فیلم گفت: وقتی فیلمنامه را خواندم به آقای دارابی گفتم چقدر این شخصیت می‌تواند در روند فیلم و قصه تأثیرگذار باشد؟ واقعا تأثیرگذاری نقش برای من بسیار مهم بود.

شفاه بیان کرد: درباره اهمیت ساختن چنین فیلمی صحبت می‌کنیم ولی می‌خواهم بگویم فردای روزی که عملیات صادق اتفاق افتاد در فرانسه با کسی صحبت می‌کردم و از شجاعت و شرافت ما تعریف می‌کردند. این فیلم اگر ساخته شده است معتقدم ما تازه سر خط هستیم. باتوجه به فرصت‌های بین‌المللی چنین فیلمی را فیلم بین‌المللی بدانند و این فیلم را به دیده مردم برسانیم.

ساعد سهیلی بازیگر نقش اصلی این فیلم بیان کرد: برای عربی صحبت کردن بسیار تمرین کردم و بازیگری نیستم که صرفا با استعداد کار خود را پیش ببرم و معتقدم که بازیگر سخت‌کوشی هستم. یک گروه در ارائه این بازی به من کمک کردند و من هم تلاش خود را کردم.

حسین دارابی گفت: مشاوران زنده‌ای در این فیلم کنار ما بودند و در برخی موارد هم به دلیل اقتضای سینمایی بودن کار دیگری می‌کردیم. ما الهامی از فیلم اوپنهایم نگرفته بودیم.

می‌توانیم گنه زحمات این شهید بزرگوار را در این فیلم نشان دهیم.

ساعد سهیلی بازیگر این فیلم، گفت: برای من افتخار است که اینجا در خدمت شما هستم و با تشویق‌های شما تمام خستگی را از تن من به در کرد. من نقش‌هایم را حسی انتخاب می‌کنم و به این انتخاب خود افتخار می‌کنم. عمومی من بازیگر تئاتر بود و در جوانی زیر شکنجه‌های عراقی‌ها شهید می‌شود و حتی اسم‌شان را در فیلم نوشتیم.

وی ادامه داد: مستندهایی دیدم و مصاحبه‌های زیادی داشتیم که بسیار به من کمک کرد. معتقدم این فیلم فارغ از هر ایدئولوژی یک فیلم



ملی بود. حضور حسین دارابی (کارگردان)، سعید سعدی (تهیه‌کننده)، سعید براتی (مدیر فیلمبرداری)، احسان ثقفی (نویسنده)، محمد برادران (مدیر جلوه‌های ویژه بصری)، سیاوش کردجان (تدوینگر)، محمدرضا شفا (طراح پروژه)، داریوش کاردان، ساعد سهیلی، پیام احمدی‌نیا، حسین سلیمانی، عبدالرضا نصاری، آزاده سیفی، عبدالرضا نصاری (بازیگران) فیلم در برج میلاد برگزار شد.

سعید سعدی در ابتدای این نشست گفت: از خانواده شهید طهرانی مقدم که با مهریانی کنار ما بودند و همچنین سردار حاجی‌زاده و برادر بزرگوارم احسان محمدحسینی بسیار سپاسگزارم که بدون حضور این عزیزان چنین فیلمی ساخته نمی‌شد.

حسین دارابی کارگردان این اثر مطرح کرد: فیلمنامه این اثر برای پنج سال پیش است که به همراهی آقای ثقفی و شفا کار را آغاز کردیم و مستندهایی را سازمان صنایع هوافضا در اختیار ما قرار داد. ما به دنبال رویکرد بودیم و می‌خواستیم چالش داشته باشیم و قدری تخیل کرده‌ایم. بحث زندگی قهرمان ما اقتباسی‌ست و فکر کردیم نزدیک شدن به شخصیت بزرگی مانند شهید طهرانی مقدم بسیار سخت خواهد بود و ما به این شهید بزرگوار نزدیک شدیم و فیلم را به شهید طهرانی مقدم تقدیم کردیم.

احسان ثقفی نویسنده این فیلم گفت: زمانی که ماجرا را شنیدیم به این فکر کردیم که حقیقت این ماجرا را نمی‌توان در دو ساعت ارائه کرد. ما از المان‌های واقعی استفاده کردیم و بخش‌هایی از واقعیت را نگه داشتیم و قصه خود را ساختیم.

دارابی توضیح داد: سینما جای تمثیل است و فکر کردیم

محمدرضا شفا طراح پروژه بیان کرد: آنچه که دیدن نتیجه زحمات برادرم جناب سعدی بود که با اعتماد بی‌ظنیر بخش‌های مختلف به ایشان، کار پیش رفت. شرایط تولید زمانی فراهم شد که من داخل ایران نبودم و آقای سعدی تمام قد کنار ما ایستادند و مشکلات فراوان اجرایی را به جان خریدند.

از انقلاب فرهنگی تا فرهنگ انقلابی

محمد محمدی کیا - مهدی جمشیدی

در ابتدای نشست «از انقلاب فرهنگی تا فرهنگ انقلابی» دکتر محسن ردادی، دبیر جلسه با گرمی داشت سال گشت پیروزی انقلاب، تأکید کرد که انقلاب مردم ایران در سال ۵۷، فرهنگی ترین انقلاب تاریخ را رقم زد. این موضوع را می توان از تعداد زیاد شعارهای فرهنگی مردم در راهپیمایی های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی دریافت.

در ادامه دو استاد برجسته حوزه انقلاب اسلامی آقای دکتر محمد محمودی کیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی و جناب آقای مهدی جمشیدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به ارائه دیدگاه های خود پرداختند.

دکتر محمد محمودی کیا در ابتدا سخن خود گفت: چنانچه به تحولات یک صد و بیست سال اخیر نگاهی جامعه شناختی داشته باشیم خواهیم دید جامعه ایرانی همواره پویا بوده و وقوع دو انقلاب اجتماعی بزرگ همچون انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی نشان می دهد که پویایی و کنشگری دو خصیصه اصلی این تحولات است و هنوز هم این تحرک و زندگی درون جامعه ایرانی وجود دارد. جامعه ایرانی به شدت زنده است و به دنبال یافتن معناست. بر خلاف مستشرقین که ایرانیان را منفعل و تأثیرپذیر می دانند، ایرانیان به صورتی پویا در پی فرایند معنایابی خود درون تحولات جهانی و عصری هستند. اراده ایرانیان همواره نیروی قدرتمندی برای نیل به پیشرفت و دستیابی به یک نیک زیستی است.

این اراده در مرور زمان توانسته موجب نوعی قدرت اجتماعی شود که توانسته به درجانی در برابر قدرت سیاسی منویات خود را بروز و ظهور بخشد. به طوری که هر زمان قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی همراه شد، جامعه پیش رفته است و جایی که این همراهی نبوده و در مقابل هم قرار گرفته اند، یک جنبش یا دیگر اشکال مقاومت اجتماعی شکل گرفته است.

انقلاب اسلامی مرزهای نظری در مطالعات نظری جامعه شناسی سیاسی را جایجا کرد و منجر به ظهور نسل چهارم نظریه های انقلاب شد. به طور عمده چهار رهیافت در نسل چهارم نشریات انقلاب برای تبیین انقلاب اسلامی وجود دارد که یکی از آنها رهیافت فرهنگی است. این نگاه معتقد است که انقلاب اسلامی یک تجربه ویژه بشری است. فوکو انقلاب را انقلابی برای معنویت می داند و می گوید که طبقات مختلف اجتماعی با یک موضوع مشترک یعنی یافتن معنا و معنویت وارد میدان مبارزه شده اند. لیلی عشقی نیز معتقد است که انقلاب اسلامی واحد یک عنصر عرفانی شیعی برجسته است و در زمانی بین زمان ها و یا به تعبیر دیگر در ملکوت رخ داده است. همچنین مایکل فیشر به عنوان یک انسان شناس برجسته آمریکایی به بررسی انقلاب اسلامی می پردازد و نقاط عطف زمانی انقلاب را نقاط مذهبی معرفی می کند. همچنین مکان های انقلاب نیز همگی معنوی هستند و حسینی ها و مساجد مکان های انقلاب هستند.

البته در این روایت در صدد نفی سایر عوامل مانند بی عدالتی، عدم چرخش نخبگان، عوامل اقتصادی و... نیستیم؛ بحث سر این است که تأثیر عامل فرهنگی ویژه و برجسته است. به دلیل همین ماهیت فرهنگی انقلاب است که وقتی سخنگوی دولت موقت، سخن از رایگان شدن آب و برق برای طبقه محروم را مطرح می کند، بلافاصله امام خمینی ره واکنش نشان می دهند و ضمن صحنه گذاشتن بر این وعده دولت موقت، تأکید می کنند که ما برای رسیدن به مقام انسانیت انقلاب کردیم.

در دایکوتومی و دوگانه های که امام خمینی ره بین اسلام ناب و اسلام آمریکایی را مطرح می کند یک نگاه معنوی حاکم است. حدود ۴۰ بار این دوگانه مطرح شده است.

در موضوع صدور انقلاب اسلامی که حدود ۷۹ بار تکرار شده، با اضافاتی است که اغلب صدور فرهنگی و معنوی را منظور است نیز همین نگاه فرهنگی وجه غالب را دارد.

در کلیدواژه مستضعف در اندیشه انقلاب اسلامی نی. این رویکرد وجه غالب و جایگاه ویژه ای دارد. البته باید توجه داشت ضعیف با مستضعف فرق دارد. مستضعف، ذاتا ضعیف نیست و به دلیل وجود برخی محدودیت ها و غل و زنجیرهایی که به آن تحویل شده باعث شده که ضعیف بماند. امام خمینی ره عامل مهم این استضعاف را استضعاف فرهنگی و فکری می داند و برای ارتقای آن نیز لازم است بهبود فرهنگی مد نظر قرار گیرد.

بنابراین مسلم است که انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی بود. در ادامه به این موضوع می پردازم که فرهنگ انقلابی در ایران چیست؟

جامعه ایران همانند بقیه جوامع، علاقه مند به مدرنیته و بهره کندی حداکثری از مظاهر زیست مدرن است. اما این مدرن خواهی با تحول خواهی فرهنگی همراه است. هر زمان که



قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی همنا شده اعتماد سیاسی افزایش یافته و فاصله بین مردم و دولت کاهش یافته است. مثل زمان جنگ و دهه شصت. جامعه ایرانی طیفی از تفکرها و تمایلات فرهنگی است. از حیث ساختاری می توان جامعه ایرانی را درون یک نگاه گفتمانی تعریف و طبقه بندی کرد. در مرکز جامعه ایرانی، سنت گرایان هستند که بخش زیادی از جامعه را در بر می گیرد. طیف نوگرایان و تجدخواهان هم بخش مهمی از جامعه ایران را تشکیل می دهد. پس از آن طیف پسانوگرایان هستند که طبقه محدود اما با سرعت رشد قابل توجه هستند.

برای فهم جامعه ایران از چارچوب عنایت الله استفاده می کنم. در لایه لیتانی و ملموس، سنت گرایان بیش از همه در مناسک مختلف مانند راهپیمایی ها، مناسک دینی همچون مراسم اربعین، اعتکاف و... دیده می شوند. در لایه گفتمانی، گفتمان های مختلف در میان سنت گرایان وجود دارد و تجدخواهان در دموکراسی خواهی خود را آشکار می سازند و در لایه گفتمانی نیز اومانسیسم حاکمیت دارد. طیف سوم، که پسانوگرایان هستند و در ادبیات انسان شناسی آمریکایی، نسل زد خوانده می شوند.

این بخش از جامعه عمدتاً در سال ۱۴۰۱ خود را آشکار کرد. این افراد از همین خانواده ایران هستند و علیرغم اینکه نگاه های متفاوت دارند اما می توان با بخش هایی از این طیف ارتباط برقرار کرد و مانع از دور شدن آنها از جامعه ایرانی و نظام هنجاری و پیوستن آنها به ساختار شکنان شد.

همه این مواردی که در لایه های مختلف طیف های گوناگون گفته شد، جنس فرهنگی دارند. معتقدم که علیرغم تفاوت ها، این امکان برای جامعه ایرانی وجود دارد که با گفتگو بتواند به توافق برسد و همگرایی رخ دهد. فرهنگ آن بستر و محملی است که می تواند عبور ما از چالش ها را با کمترین هزینه را فراهم سازد. باید با جامعه با زبان تعامل فرهنگی سخن گفت.

این بخش از جامعه عمدتاً در سال ۱۴۰۱ خود را آشکار کرد. این افراد از همین خانواده ایران هستند و علیرغم اینکه نگاه های متفاوت دارند اما می توان با بخش هایی از این طیف ارتباط برقرار کرد و مانع از دور شدن آنها از جامعه ایرانی و نظام هنجاری و پیوستن آنها به ساختار شکنان شد.

همه این مواردی که در لایه های مختلف طیف های گوناگون گفته شد، جنس فرهنگی دارند. معتقدم که علیرغم تفاوت ها، این امکان برای جامعه ایرانی وجود دارد که با گفتگو بتواند به توافق برسد و همگرایی رخ دهد. فرهنگ آن بستر و محملی است که می تواند عبور ما از چالش ها را با کمترین هزینه را فراهم سازد. باید با جامعه با زبان تعامل فرهنگی سخن گفت.

در بخش دوم نشست، مهدی جمشیدی، پژوهشگر گروه فرهنگ پژوهی گفت: امام خمینی، یک آرمان گرای انقلابی بود که توقع حداکثری داشت؛ یعنی امکان ها و بضاعتها را فراوان می دانست و معتقد به شدن و تحقق بود. در همان شرایط، دیگرانی بودند که از نشدن و امتناع سخن می گفتند و تحقق انقلاب یا پیشروی پسانقلاب را توهم تصور می کردند، اما امام خمینی، نه فقط مصلح امکان ها بود، بلکه امکان ها را نیز حداکثری و گسترده می انگاشت. ایشان متعرض بی عملی برخی بزرگان بود و به آنها انتقاد می کرد و از آنها، مبارزه و موضع گیری را می طلبید، اما چون درک دیگران از شرایط، محدود و حداقلی بود، وارد وادی عمل نمی شدند و کناره گیری و خاموشی را ترجیح می دادند. این گونه نبود که نقطه آغاز شکل گیری شرایط انقلابی، همان نقطه ای باشد که امام خمینی شروع به مبارزه کرد، بلکه این بستر، از چند دهه پیش فراهم شده بود، اما چهره ها و شخصیت ها از آن بهره نمی بردند. پس تفاوت در «عاملیت ها» بود و نه «شرایط». چنین نبود که در دوره کنشگری امام



جامعه شناسی-سلبریتی ها به مثابه آسیب اجتماعی

میثم مهدیار

جامعه شناسی اغلب دانشی انتقادی درباره «ساختارها» و «ساخت های» فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن هم به شکلی تاریخی است. از این جهت اراده و تصمیمات افراد و جریان ها و دولت ها در تحلیل های جامعه شناختی باید معمولاً در ته جدول بررسی هایشان باشد. اما این روزها جامعه شناسی-سلبریتی هایی را در رسانه ها می بینیم که وزن اصلی در متغیرها، به اراده و تصمیمات فلان افراد و بهمان دولت ها می دهند و مشغول محکوم و منکوب کردن افراد و سیاست ها و دولت ها هستند.

در تبیین هر پدیده و مساله اجتماعی عوامل مختلفی دخیل اند و در جامعه شناسی آموخته ایم برای فهم یا حل آن مساله اجتماعی، باید وزن مناسب به عوامل موجه آن داد. ولی آنچه در جامعه شناسی رسانه ای شده اخیر می بینیم، تفوق سیاست روزمره و قدرت پوزیتیو بر سایر عوامل تبیینی است. کار به جایی رسیده که امروز حتی فوکویی که ما را به در نظر گرفتن تأثیرات میکرو فیزیک قدرت و قدرت نرم اجازه می داد و از تأثیر قدرت «گفتمان های دانش» مدرن بر شکل دهی سوزها برای مان می گفت و آرنتی که توتالیترایسم و فاشیسم مدرن را نقد می کرد و با این نقدها به آرمان رهایی از بند شدو ذات مدرنیته نوید می داد، صرفاً به یک ابزار برای بحث های سیاسی روزمره برخی از این جامعه شناس-سلبریتی ها در منکوب و محکوم کردن برخی سیاستمداران و دولت ها تبدیل شده است.

این فریبهی سیاست و یا «سیاست زدگی»، اگرچه می تواند در رسانه های اجتماعی توجه جلب کند، ولی در ازای آن در حال ترویج تفسیری از جامعه شناسی است که با هر عینکی به آن نگاه کنیم با زمینه های تاریخی شکل گیری و تکوین آن متباین و نقض غرض است.

البته شاید اینکه در برنامه درسی علوم اجتماعی و جامعه شناسی ما نقصان هایی وجود دارد و ممکن است کسی با کمترین آگاهی از تاریخ و فرهنگ ایران و روندهای تاریخی شکل گیری ساختارها و صرفاً با مرور برخی نظریات گزینش و ترجمه شده کلاسیک یا معاصر به راحتی مدرک دکترا دریافت کند، در شکل گیری چنین سیاست زدگی هایی بی تأثیر نباشد. اما تا جایی که می دانیم نقطه مشترک همان متون علمی جامعه شناسی متعارف هم، انداز از چنین سطحی نگرایی های اراده گرایانه است.

به گمانم بخش زیادی از آن «ملی گرای روش شناختی» که بیشتر به عنوان یک معضله اساسی در جامعه شناسی ایرانی نام برده بودم، محصول این سیاست زدگی است. چنین سیاست زدگی صرفاً به دنبال کنش سیاسی داخلی است، از همین رو نمی تواند و یا نمی خواهد نگاه ساختاری تاریخی به مسائل داشته باشد تا بهتر بتواند شعار دهد و لایک جمع کند.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه آهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



روایتی متفاوت از چالش‌های فضای مجازی در زندگی امروز

انسان‌ها امروز مدام مشغول بازی کردن در فضای مجازی هستند. فیلم بیشتر از این که درباره فضای مجازی باشد درباره جامعه نمایش است. جامعه نمایشی که همه ما این روزها در آن زیست می‌کنیم و از تاثیرات و عواقب این نوع زندگی آگاه هستیم.

این فیلم را بین المللی بدانید

حسین دارابی کارگردان این اثر مطرح کرد: فیلمنامه این اثر برای پنج سال پیش است که به همراهی آقای ثقفی و شفا کاز را آغاز کردیم و مستندهایی را سازمان صنایع هوافضا در اختیار ما قرار داد. ما به دنبال رویکرد بودیم و می‌خواستیم چالش داشته باشیم و قدری تخیل کرده‌ایم.



وقتی در زندگی به شاتلنگری زده می‌شود و با اینکه نصیحتی می‌شوید، عبرت بگیرید.

(سوره صافات آیه ۱۳)

وقتی حرف زدن هزینه ندارد

فریدون حسن



یکی از معضلات بزرگ و حل نشدنی ورزش کشور این است که حرف زدن در آن هیچ هزینه‌ای ندارد یا حداقل فقط برای برخی هزینه دارد. کافیسست فقط شما در ورزش مسئولیتی داشته باشید، آن وقت خیلی راحت می‌توانید در خصوص تمام موضوعات ورزشی حتی بی‌ربط با حوزه فعالیت‌تان حرف بزنید بدون اینکه نگران برخورد باشید. مثلاً می‌توانید در کشتی سمی داشته باشید، ولی در خصوص فوتبال، والیبال یا حتی شنا هم حرف بزنید. می‌توانید در فوتبال سمت داشته باشید، ولی در مورد وزنه‌برداری صحبت و حتی آدم جابه‌جا کنید. البته می‌شود حتی سمتی نداشته باشید، ولی در تمام حوزه‌ها اظهار نظر کنید. خب اینگونه می‌شود که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هر کس هر چه می‌خواهد می‌گوید. آنچه که این روزها بین دو بزرگ ورزش کشور رد و بدل می‌شود نمونه واقعی این ماجراست، ماجرابی که هر چه مسئولان ورزش و حتی رسانه‌ها سعی می‌کنند به گونه‌ای آن را فیصله دهند، ولی ظاهراً طرفین ماجرا به خصوص یک طرف و برخی رسانه‌های خاص نمی‌خواهند تمام شود. این دقیقاً همان نکته‌ای است که ابتدای مطلب به آن اشاره کردیم، یعنی حرف زدن برای مسئولان ورزش هیچ هزینه‌ای ندارد. حالا این حرف هر چه می‌خواهد باشد، حتی بی‌ارتباط به حوزه فعالیت این مسئول. نکته قابل توجه در حاشیه به وجود آمده اینکه ظاهراً آقایان از حاشیه چندان بدشان هم نمی‌آید و دوست دارند هر طور شده حتی با دخالت در حوزه‌های دیگر خود را مطرح کنند. البته از بعد رسانه‌های برخی رشته‌ها نسبت به رشته‌های دیگر در این خصوص غافل ماند.

آیا دربی ۱۰۵ بدون تماشاگر برگزار می‌شود؟



اولین مسابقه خانگی پرسپولیس دینار روز ۹ اسفند با استقلال است و از این رو این شائبه به وجود آمد که سرخپوشان از حضور تماشاگران خود در این بازی محروم هستند. در رای کمیته انضباطی درباره پرونده بازی با تراکتور آمده که در صورت قطعی شدن، بازی بعدی پرسپولیس بدون تماشاگر انجام می‌شود و این در شرایطی است که این باشگاه قصد اعتراض به رأی صادره را دارد. پرسپولیس تا ۳۰ بهمن فرصت اعتراض دارد و با رفتن پرونده به استیناف و با توجه به مدت زمانی که باید این کمیته صرف بررسی موضوع کند، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که دربی روز ۹ اسفند با حضور تماشاگران انجام می‌شود. تنها صورتی که می‌توان برای انجام بازی بدون تماشاگر متصور بود این است که کمیته استیناف در کوتاه‌ترین زمان ممکن حکم را صادر کند که با توجه به روند پرونده و سابقه این کمیته در زمان صدور احکام و تاثیرات برگزاری دربی بدون تماشاگر این گزینه دور از ذهن خواهد بود. این در حالی است که مسئولان باشگاه پرسپولیس نیز به برگزاری دربی با تماشاگر تأکید کرده‌اند.

کاراته ایران به قهرمان لیگ جهانی گرجستان دست یافت



تیم منتخب کشتی فرنگی ایران با ۲ مدال طلا، ۳ نقره، ۱ برنز و کسب ۱۴۷ امتیاز به عنوان قهرمانی مسابقات زاگرب دست یافت. در پایان این مسابقات تیم ایران توسط غلامرضا فرخی در وزن ۸۲ کیلوگرم و علی اکبر یوسفی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم به مدال طلا، مهدی احدی در وزن ۵۵ کیلوگرم، محمدمهدی کشتکار در وزن ۶۳ کیلوگرم، دانیال سهرابی در وزن ۷۲ کیلوگرم به مدال نقره و پویا ناصریور در وزن ۶۰ کیلوگرم به مدال برنز دست یافت.

اوضاع بدتر شده نه بهتر آقای دنیامالی!

دنیاحیدری



سرمایه‌سوزی است و نمی‌تواند نتیجه جالب توجهی در پی داشته باشد و انتظار می‌رود وزارت ورزش و در رأس آن دنیامالی به خاطر مردم و هواداران این دو تیم هم که شده توجه بیشتری به اوضاع پرسپولیس و استقلال داشته باشد. وزیر ورزش مدعی است اگر او به جای مدیران این دو باشگاه بود برای انتخاب کادرفنی و سرمربی هم نظر هواداران را جویا می‌شد، اما سؤال اینجاست که چطور امروز خودش نظر هواداران را برای حل مشکلات این تیم جویا نمی‌شود قبل از اینکه کار به جاهای باریک کشیده شود.

شدن اوضاع می‌شویم. البته نه برای پرسپولیس و استقلال، بلکه برای وزارت ورزش، چراکه همانطور که دنیامالی نیز بدان اشاره دارد، پیش از این تمام نگاه‌ها بعد از هر مشکلی به سمت وزارت می‌چرخید، اما بعد از واگذاری دلیلی ندارد که کسی وزیر ورزش را مقصر اتفاقات و ناکامی‌ها بخواند و عاقلانه است که او قصدی برای ورود به مسائل و مشکلات این دو باشگاه نداشته باشد، به طوری که این را صراحتاً به زبان می‌آورد: «اصلاً در خصوص مسائل و مشکلات دو باشگاه ورود نمی‌کنیم. آنها مجمع دارند و خودشان باید پاسخگو باشند. ما اگر صحبتی هم کنیم با مجمع است و گاهی هم با هیئت مدیره صحبت می‌کنیم که اگر کمک بخواهند کمک خواهیم کرد، اما وظیفه ما فقط در قبال این باشگاه‌ها نیست و همه هستند. در حال حاضر بعضی از استان‌ها تیم ندارند و به دنبال تیم هستند یا برای مثال تیم نفت در لیگ برتر نیست، فوتبال حساس است و ما هر چقدر از جایگاه نظارتی بالاتری ورود کنیم به نفع تیم‌هاست.»

این نوع نگاه، اما می‌تواند به معنای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت باشد، خصوصاً وقتی واگذاری سرخابی‌های پایتخت به کنسرسیوم بانکی و بزرگ‌ترین مجموعه پتروشیمی ایران به راستی خصوصی‌سازی نیست و بیشتر این جیب به آن جیب کردن است، وقتی هر دو مجموعه به نوعی دولتی محسوب می‌شوند. با وجود این به نظر می‌رسد وزیر ورزش با بیان دیدگاه خود بیشتر سعی دارد پای وزارت ورزش را از مهلکه مشکلات سرخابی‌ها بیرون بکشد، اما بی‌تردید این بی‌تفاوتی در واقع

نه پرسپولیس که با کسب ۲۴ امتیاز در رده چهارم جدول قرار دارد و هنوز خیلی از محدوده تیم‌های مدعی دور نشده و نه استقلال که با کسب تنها ۲۳ امتیاز در رده نهم جا خوش کرده است. اما مشخص نیست چه چیزی باعث شده دنیامالی تصور کند وضعیت این دو تیم بعد از واگذاری بهتر شده، وقتی نه در لیگ توانستند عملکرد قابل قبولی از خود به نمایش بگذارند و نه در لیگ نخبگان و بدتر اینکه کادرفنی دو باشگاه نیز درست بعد از واگذاری، چند مرتبه دستخوش تغییر شده است! مسئله‌ای که صدای منتقدان، کارشناسان و حتی هواداران دو تیم را هم درآورده است. اعتراضی که در بازی‌های اخیر دو تیم بارها و بارها از روی سکوها شنیده شد. با وجود این در کمال تعجب وزیر ورزش می‌گوید اوضاع بهتر از گذشته است: «قطعاً اوضاع بهتر از گذشته است. همین که ما ورود نمی‌کنیم و خودشان باید پاسخ بدهند، بهتر است. یک زمانی برای اینکه معمولی‌ترین منابع بودجه اینها تأمین شود با گرفتاری مواجه بودند، اما الان شرایطشان بهتر شده است. فکر می‌کنم به تدریج استقلال و پرسپولیس خودشان را پیدا کنند. من با اعضای هیئت مدیره و هلدینگ‌ها صحبت کرده‌ام. آنها نگاه زیربنایی در بحث‌های پایه دارند و بحث پایه را جدی می‌گیرند.»

بی‌شک اتفاقات اخیر و آمار مشکلات این دو تیم ثابت می‌کند اوضاع آنها بعد از واگذاری نه فقط بهتر نشده که بدتر هم شده و این چیزی نیست که بتوان منکر شد یا آن را کتمان کرد. اما اگر ماجرا را از جهتی که وزیر ورزش می‌نگرد نگاه کنیم، متوجه بهتر

اواخر فروردین ماه سال جاری بود که سرانجام تکلیف پروژه واگذاری سرخابی‌های پایتخت روشن شد که براساس آن، چهار بانک و بزرگ‌ترین مجموعه پتروشیمی ایران با امضای ضمانتنامه قانونی، متعهد به خرید عمده سهام دو باشگاه پرسپولیس و استقلال شدند. هرچند که این نوع واگذاری را نمی‌شد خصوصی‌سازی نامید، اما خطر حذف سرخابی‌های پایتخت از اولین دوره لیگ نخبگان آسیا را از بیخ گوش این دو باشگاه دور کرد.

قرار بود بعد از واگذاری، سرنوشت پرسپولیس و استقلال تغییر کند و بار مشکلات این دو باشگاه تا حد قابل توجهی سبک شود، اما برخلاف تصورات، نه تنها اوضاع بهتر نشد که بدتر هم شد. با وجود این به نظر می‌رسد مشکلات پرتعداد سرخابی‌های پایتخت چندان به چشم وزیر ورزش نیامده که مدعی است واگذاری پرسپولیس و استقلال باعث شده این دو باشگاه به شرایط بهتری برسند.

این در حالی است که شرایط پرسپولیس و استقلال در جدول رده‌بندی به خوبی گویای این واقعیت است که واگذاری سرخابی‌ها نتوانسته تأثیری را که انتظار می‌رفت، داشته باشد. هرچند استقلال چند سالی است که در حسرت کسب عنوان قهرمانی مانده، اما پرسپولیس قهرمان چند دوره لیگ است که این روزها شرایط چندان جالبی ندارد و تغییرات کادرفنی، عدم نتیجه‌گیری در لیگ و لیگ نخبگان تأییدی بر این گفتار است. در حال حاضر شرایط هیچ یک از این دو تیم جالب توجه نیست،